



ژرژ واشنگتن در لباس  
فراماسونی



بنیامین فرانکلین اولین  
گراوند ماستر پنسیلوانیا



بین روزولت در لباس ماسونی

هم‌جانب و شنیدنی است :

هنگامیکه بنیامین هفده‌ساله بود ، برادرش « ژاک فرانکلین » را بجرم انتحار مقالات ضد کلیسا توقیف و زندانی کردند . ژاک در ژانویه ۱۷۲۳ م (ربیع الثانی ۱۱۳۵ هـ) بمناسبت مقالاتی که در روزنامه‌اش بنام « جریانات انگلستان نو » مینوشت ، زندانی و پس از مدتی آزاد شد . بنیامین بلافاصله عقاید برادرش را دنبال کرد ولی چون با مقدمات مخالفین مواجه شد از « پستن » بشهر « فیلادلفی » رفت و از آنجا برای فراگرفتن چاپ بانگلستان رهسپار گردید . هنگامیکه در مطبعه کار میکرد بمطالعه کتب فلسفی پرداخت و چندی بعد نخستین اثر خویش را بنام « آزمایش راجع باختیار و اجتناب لذت ورنیج » منتشر کرد ، مدتی بعد بنیامین با کمک یکی از تجار آمریکائی از انگلستان به فیلادلفی برگشت و چاپخانه‌ای دایر نمود . در آن زمان در فیلادلفی یک فراماسونری دایر بود . فرانکلین هر چه سعی کرد وارد این لژ شود ، فراماسونری قبولش نکردند . و آنگاه او برای آنکه انتقامی از ماسونها گرفته باشد در روزنامه « گازت اف پنسیلوانیا » شروع بنوشتن مقالات ضد آنها کرد و اولین مقاله او در ۸ دسامبر ۱۷۳۰ (جمادی الثانی ۱۱۴۳ هـ) منتشر گردید . انتشار مقالات او ، تحریک افکار عمومی مردم را علیه ماسونها برانگیخت . همه شماره‌های روزنامه « گازت اف پنسیلوانیا » که در آنها مقالات ضد ماسونی نوشته میشد بقیمت زر بفروش میرفت و سرانجام وقتی محفل فراماسونی متوجه تأثیر مقالات او شد ، ویرا باسلام و مظلوم‌نمایی وارد لژ نمود . فرانکلین در ۱۷۳۰ (۱۱۴۲ هـ) رتبه « کارآموزی » فراماسنی گرفت و در ۱۷۳۲ (۱۱۴۴ هـ) ناظم بزرگ و در ۱۷۳۴ (۱۱۴۶ هـ) سرور بزرگ لژ پنسیلوانیا گردید . از ۱۷۳۵ تا ۱۷۳۸ (۱۱۴۷ تا ۱۱۵۰ هـ) دبیر محفل بود . پس از آن در ۱۷۳۸ داخل ردف فراماسونهای ساده‌شد . ولی همواره در جلسات لازم حضور داشت . در ۱۱۶۲ هـ) سمت سرور بزرگ ولایتی منصوب گردید و در ۱۷۵۰ (۱۱۶۳ هـ) بنیامین سرور بزرگ انتخاب گشت و در ۱۷۶۰ (۱۱۷۳ هـ) مجدداً به همین سمت انتخاب گردید . فرانکلین در لژهای انگلیسی و لژ « نه‌خواهران » فرانسه مقامات عالیه داشت و ریاست افتخاری لژهای « حکام معبد کارکاسون » و « سن‌ژان » بیت المقدس و محفل رفتاری

را نیز یدک میکشید . وی در ۱۷۳۴ م ( ۱۱۴۶ هـ ) در آمریکا کتاب قانون اساسی فراماسونری را منتشر کرد و در ۱۷۵۲ ( ۱۱۶۶ هـ ) ساختمان معبد فراماسونری فیلادلفی را آغاز نمود .

**تشکیل لژهای فراماسونری در آمریکا** مثل انگلستان قبل از سال ۱۷۱۷ ( ۱۱۲۹ هـ ) دانست  
دائرة المعارف آمریکا تأسیس نخستین لژ ماسونری آمریکا را در ۱۷۳۰ ( ۱۱۴۲ هـ ) ضبط کرده است . در حالیکه نویسنده فرانسوی کتاب «فراموشخانه ها و انقلابات قرن هجدهم» تاریخ تأسیس لژهای ماسونی «بنائی» آمریکا را قبل از ۱۷۱۷ میداند<sup>۱</sup> دائرة المعارف ماسونی مینویسد «قدیمیترین گزارشی که از سابقه تشکیل لژهای ماسونری موجود است ، در کتابخانه یکی از لژهای فیلادلفیاست ، این گزارش در ضمن وقایع سال ۱۷۳۰ [ ۱۱۴۲ هـ ] ضبط است . و میتوان تصور کرد که لژی در زمان بسیار بعید ( Time immemorial ) بوسیله عده ای از ماسونها ، بدون داشتن اجازه و یا با صلاح فراماسنها غیر قانونی در آمریکا وجود داشته است.»

نخستین لژی که تصور میشود طبق مقررات فراماسونی و با اجازه مقامات بالای این جماعت تشکیل شده ، محفلی است که با اجازه لژها در ( گراندر انگلستان ) در سال ۱۷۳۳ ( ۱۱۴۵ هـ ) تشکیل گردیده و بوسیله «هانری پریس»<sup>۲</sup> رسمیت یافته است . اولین گراندر ماستر این لژ شخصی بنام «ویس کونت موتاگو»<sup>۳</sup> بوده که بسمت استاد اعظم ایالتی «انگلستان جدید» New England و مستملکات و اراضی تحت تصرف انگلیسها انتخاب گردیده است . در دورانی که انگلستان بر قسمتی از ایالات آمریکا حکومت میکرد ، بسیاری از لژهای فراماسونری آمریکا تحت تشکیلات فراماسونری انگلستان بودند و بعضی از ایالات بتدریج لژهایی تشکیل شد که با گراندر اسکاتلند و ایرلند

۱ - ص ۷۹ جلد نهم چاپ ۱۹۵۷ .

۲ - ص ۲۲۲ .

۳ - Henry price

۴ - Viscount montag

ارتباط داشت. این لژها تماماً گراند لژهای ایالتی بودند و ریاست غالبه آنها را استادان اعظمی که از طرف انگلستان معین میشدند، به عهده داشتند. دولت از این لژها از سال ۱۷۵۱-۱۱۶۴ هـ) که دوران «کولونی» هاست فعالیت میکردند.

بموجب نوشته «فای» نویسنده فرانسوی بدین ترتیب لژهای فراماسونری در آمریکا توسعه یافت: «... در فیلادلفی و بستن قبل از ۱۷۱۷ لژهای ماسنی وجود داشت. در ۱۷۳۱ [۱۱۴۳ هـ] محفل فیلادلفی با محفل بزرگ لندن ارتباط یافت و «دوگلد و نورفلک» و «دراپیل کوکس» را بعنوان مہین سرور عمالک مرکزی آمریکا تعیین کرد. در سال ۱۷۳۳ [۱۱۴۵ هـ] اولین محفل مطیع و منظم فراماسونی در بستن تشکیل یافت و هائوری پرایس استاد بزرگ آن شد. از آن پس محافل فراماسونری در «جنورجیا» سال ۱۷۳۴ [۱۱۴۶ هـ] در «نیو یورک» سال ۱۷۴۳ [۱۱۵۵ هـ] در «پرتزینی» سال ۱۷۴۹ [۱۱۶۲ هـ] در «ویدا لاند» سال ۱۷۵۰ [۱۱۶۳ هـ] در «ماریلاند و کنتیکت» سال ۱۷۵۳ [۱۱۶۶ هـ] و در «کارولاین شمالی» تشکیل گردید. در ۱۷۳۴ [۱۱۴۶ هـ] یکی از محافل بستن، که بی شک از روحیه آزادی و کم ابتکار فراموشخانه انگلستان خسته و ناراضی شده بود، از محفل بزرگ اسکاتلند تقاضای قانون مخصوص کرد و در سال ۱۷۵۹ [۱۱۷۲ هـ] آنرا دریافت داشت و در همین اوقات محافل «قدیمی‌ها» تشکیل گردید و بزودی در تمام مستعمرات پیشرفت نمودند. در آنجا هم مثل انگلستان عناصر جوان و جسور بمحافل «قدیمی» روی نمودند. بدین ترتیب در سال ۱۷۶۰ [۱۱۷۳ هـ] گوشه‌ای از آمریکا نبود که در آن، فراموشخانه رسوخ نکرده باشد...»

پس از خاتمه جنگهای استقلال طلبانه آمریکا، محافل فراماسونی استقلال فراماسونری نیز بلافاصله ادعای استقلال کرده سیادت گراند لژ انگلستان آمریکا را از مقررات خود حذف کردند.

این محافل پس از چند سال همگی در سازمانی متحد «محفل اعظم ایالتی» جمع شدند و استقلال خود را اعلام نمودند. پس از اتحاد و استقلال

هر کدام از این لژها فعالیت خود را محدود به قلمروی میکرد که با وضع سیاسی آن لژ تطابق مییافت. بنابراین اگر عبادتی از طرف کلیه گراند لژها تکرار میشد، معرف پذیرفته شدن آن در تمام کشور امریکا بود.

اینک در سر تا سر امریکا ۴۹ گراند لژ و ۱۶۴۱۵ محفل فراماسونری فعالیت میکنند. بموجب آخرین آماري که منتشر شده از این عده ۲۹۸۸۱۳۴ نفر استاد ماسنی میباشند و بقیه درجات مختلف دارند. تعداد ماسونها در این کشور ۳۹۲۷۲۱۶ نفر است. عده ای از لژهای فراماسنی امریکا تابع گراند لژ اسکاتلند و عده ای تابع لژ «یورک» میباشند، معینا میتوان آنها را «لژ امریکائی» نامید.

عده زیادی از رهبران حزب دموکرات امریکا در لژ اسکاتلند عضویت دارند و دیگران که در حزب جمهوریخواه هستند، بیشتر در لژهای مستقل امریکائی فعالیت میکنند.

فراماسونری امریکا نیز، مانند سازمان های ماسونی انگلستان  
**۱۴ رئیس جمهور** سعی دارد، روستاء مملکت را داخل سازمان های خود بنماید.  
**امریکا** همانطوریکه در انگلستان پادشاهان این کشور وارد سازمان ماسونی شده اند، در امریکا نیز از ۳۶ رئیس جمهوری امریکا ۱۴ نفر آنها از سال ۱۷۹۹ تا ۱۹۶۶ عضو لژهای ماسونی این کشور بوده اند. از این عده چهار نفرشان عضو لژ «اوهایو» سه نفر عضو لژ تنسی، دو رئیس جمهور عضو لژ نیویورک و بقیه از لژهای واشنگتن، پاناما، میسوری، تکزاس و ویرجینیا بوده اند.

در سالنامه سال ۱۹۶۵-۱۹۶۴ ماسونی «مرکز برادران ماسونیک» اسامی چهارده رئیس جمهوری که عضو لژهای ماسونی بوده اند بترتیب ذیل نوشته شده است!

جرج واشنگتن - جیمز منرئو - اندرو جاکسن - جیمز کنوکس بلوک - جیمز یوکانان - اندریو جانسون - جیمز ابراهام گارفیلد - ویلیام مک کینلی - تئودر روزولت - ویلیام هاوارد تافت - وارنر کامالیل هاردینگ - فرانکلین روزولت - هاری ترومن - لیندن جانسون .

درباره سازمان فراماسونری آمریکا در ایالات متحده و جهان، فراماسن امریکائی يك سوال پیش میآید که پاسخ به آن قدری دشوار است. همه روش فراماسونری میپرسند آیا فراماسونری آمریکا هم مثل فراماسونری انگلیس در آمریکا «بنگاه کارگشائی» و یا «مرکز میاسی» است یا نه؟ امریکائیان بارها اعلام کردهاند که فراماسونری در آنکشور يك مؤسسه تعاونی و برادریست و درهای بیعارستانها، آسایشگاهها، کتابخانهها، پرورشگاهها و مؤسسات فرهنگی آن بروی همه مردم جهان باز است.

«مونروئه» مبتکر سیاست معروف «تزوا» و «عدم مداخله» آمریکا در امور دیگران، خود از فراماسونهای امریکائی بود. او میگفت اروپای کهنه را باید بحال خود گذاشت که هر طور میتواند زندگی کند. لژهای فراماسونری آمریکا از این اصل پیروی مینمودند و فقط در خارج از آنکشور بالژ بزرگ انگلستان تماس داشتند.

تماس دائمی و مؤثر فراماسونری انگلستان و آمریکا در جنگ دوم جهانی بطور جالبی بنفع انگلستان تمام شد. حتی کمکهای مؤثر دوره بعد از جنگ دولت امریکانست به انگلستان و بجات دادن بریتانیا از ورشکستگی اقتصادی با دستیاری برادران فراماسن امریکائی بوده است.

لژهای فراماسونری بعضی از کشورهای اروپائی و افریقائی و آسیائی بطوریکه گفتیم، در گذشته از لژ بزرگ انگلستان اطاعت میکردند. ولی امروز در جهان هیچ لژ فراماسونری را نمیتوان یافت که از لژهای امریکا اطاعت کند و فقط لژهایی که در این اواخر سیاه پوستان در افریقا تأسیس کردهاند بالژهای فراماسونری سیاه پوستان امریکا با اسم «پرنس هال» همکاری می نمایند.

انگلستان بوسیله سازمان فراماسونری خود توانست در قرن هجدهم و نوزدهم و قسمتی از قرن بیستم در کشورهای دیگر دارای قدرت سیاسی گردد ولی آمریکا در قرن تسخیر فضا نمیتواند در اروپا و افریقا و آسیا از نفوذ فراماسونری خود بهره برداری نماید. در قرن هجدهم و نوزدهم و قسمتی از قرن بیستم، فراماسونری انگلستان راه را برای نفوذ و قدرت سیاسی دولت انگلستان باز کرد و اینك قدرت و نفوذ سیاسی امریکا باید در

هری نفوذ فراماسونری امریکا باز کند. ولی با در نظر گرفتن وضع کنونی جهان اگر  
 ایسکا لژهایی در جهان بوجود آورده، این لژها بزودی مانند محافل و لژهای انگلیسی،  
 برت باشگاه‌های سیاسی و کارچاق‌کنی درخواهند آمد.

چون اوضاع دنیا طوری شده است که دیگر مردم برای بر خورداری از اسرار  
 عضویت جدید لژهای جدید فراماسونری را نمی‌پذیرند، لذا نمیتوان تصور کرد  
 بر آینده لژهای فراماسونری امریکا مثل لژ بزرگ لندن، یا مانند «گراند اوریان»  
 و «لژ بزرگ شرق» مقبولیت جهانی بدست آورد.

ولی با توجه به پیشرفت روز افزون امریکا در صحنه سیاسی جهان  
 استفاده سیاسی بعید نیست که فراماسونری این کشور با استفاده از نفوذ عوامل  
 دولتی خود و مأمورین مخفی و علنی سفارتخانه‌ها و دلار در صدد  
 توسعه فعالیت خود بر آید. اگر دولت امریکا به چنین کاری دست زند در بسیاری  
 جهان‌های بخصوص ممالک توسعه نیافته موفقیتی بدست خواهد آورد. زیرا  
 بیورین، جاه طلبان و سودجویان سیاسی و اقتصادی ممالک توسعه نیافته که بخاطر  
 خسی خود از هر فرصتی استفاده مینمایند عضویت در لژهای ماسنی امریکا را بدون  
 اعتقاد یا آداب و رسوم و عقاید آنها داشته باشند خواهند پذیرفت. نویسنده تاریخ  
 می‌نویسد: ... بعضی بر آنند که امروز، فراماسونری آمریکا در سیاست جهانی جای  
 نفوذی انگلستان را گرفته است ولی این نظریه واقعیت ندارد. شاید اگر وضع  
 دنیا همین‌طور باشد و دولت آمریکا در قسمتی از جهان، یک دولت با نفوذ باقی  
 فراماسونری آمریکا بتواند فراماسونری کشورهای دیگر را تحت نفوذ

ولی امروز، چنین نیست و فراماسونری امریکا دارای سوابق فراماسونری  
 قوی‌تری است که بتواند وسیله‌ای برای تأمین منافع سیاسی امریکا در جهان  
 از جمله فراماسونری اروپا و آفریقا و آسیا غیر از لژهای انگلیسی، تا قبل از  
 جهانی دوم، با لژهای فراماسونری امریکا تماس نداشتند فراماسونری امریکا  
 به خصوص فراماسونری اروپا و آفریقا و آسیا، غیر از لژهای انگلیسی علاقه نشان

نمیداد ... فراماسونری آمریکا چون تازه وارد عرصه بین‌المللی شده ، هنوز نتوانسته است نفوذ زیادی پیدا کند خاصه آنکه وضع امروز دنیا ، غیر از آغاز این قرن است ولی با مرور زمان فراماسونری آمریکا در آن قسمت از دنیا که تحت تسلط کمونیست‌ها نمی‌باشد ، ممکن است دارای نفوذ بسیار شود ...<sup>۱</sup>

با وجودیکه لژهای فراماسونری آمریکا علناً اظهار میکنند طرق مختلف نفوذ که در سیاست دخالت ندارند ، معذالک آثار و شواهد متعددی گواهی می‌دهد که لژهای آمریکائی مستقیماً و به سه طریق زیر لژهای آمریکائی در سیاست بین‌المللی دخالت میکنند :

۱- بعزت از بین رفتن نفوذ بین‌المللی فراماسونری انگلیس و فرانسه ، پس از جنگ دوم تا اندازه‌ای لژهای آمریکائی جای آنها را گرفته‌اند .

۲- سیاستمداران آمریکائی که از راه مذهب و اعزام مسیونرها و تأسیس بنگاه‌های خیریه و فرستادن مأمورین نظامی و مخفی و اقتصادی برای کمک به کشورهای توسعه نیافته در جهان رخنه میکنند ، در سالهای اخیر مستقیماً بوسیله اعمال نفوذ در لژهای فراماسونی ممالک دیگر نیز اقدام می‌نمایند .

در آمریکا سازمان فراماسونری مانند دوره قبل از جنگ دوم در فرانسه و انگلستان دارای نفوذ سیاسی و اقتصادی است . بعضی‌ها عقیده دارند که در آمریکا تا شخصی عضو سازمان فراماسونری نباشد در دستگاه دولت نمی‌تواند بطرز برجسته‌ای ترقی کند و پست‌ها و مشاغل برجسته دولتی در آمریکا مختص اعضای فراماسونری است .

۳- در کشورهاییکه لژهای فراماسونری آمریکا تشکیل نشده سازمانهای اخلاقی تعاونی و شبه ماسنی تشکیل گردیده‌است که می‌توان آنها را شعب فراماسونری آمریکائی

۱- خواندنیه‌ها سال ۱۳۴۴ شماره ۳۱ .

۲- اندرو تالی نویسنده آمریکائی کتاب وسیاه که خود سالها عضو سازمان اطلاعات و جاسوسی آمریکا بود در باره نقش مسیونرهای مذهبی و مؤسسات خیریه آمریکا در کسب اطلاع و جاسوسی داد سخن داده . رجوع شود به کتاب :



نست از اینگونه سازمانها می توان :

۱- روزگاری کلوب

۲- لاینز

۳- جمعیت تسلیح اخلاقی

۴- جمعیت برادران جهانی

را نام برد .

آمریکائیان بوسیله این سازمانها که بظاهر جنبه اخلاقی ، تعاونی و کمک به  
شروع دارد ، به نیات و هدفهای ماستی تحقق می دهند . در کشور ما چهار سازمان  
مکتوب کوشش فعالانه ای برای جلب ایرانیان می نمایند .

www.KetabFarsi.com

۹ - مطالعه و دقت در تشکیل سازمانهای چهارگانه فوق الذکر برای کسانیکه علاقه

بسیاری در این باره دارند ضروری است و در قسمتهای بعدی در این باره بتفصیل گفتگو

معه شد .

## فصل ششم

تشریفات داخلی معابد و لژها - قبول عضو جدید - شرایط ورود

« مصلحت نیست که از پرده بیرون افتد راز

ورنه در محفل رندان، خبری نیست که نیست! »

از بند ایجاد فراماسونری در جهان تا کنون  
اسرار و آئین  
سری محافل

مقالات، رساله‌ها و کتب مختلفی درباره تشکیلات مرموز  
و مخفی، و اصول و آداب پنهانی آن انتشار یافته است. اما

نشریات لژهای فراماسونری جهان هیچگاه درباره اسرار و رموز و آئین داخلی محافل  
خود کلمه‌ای برای « غیر ماسن » ها و « بیگانگان » نقل نمی نمایند. فراماسنها رمز  
اصلی کار و موفقیت خود را مرهون این می دانند که اسرار خویش را محفوظ و مکتوم  
نگاه دارند و اجازه ندهند جز اعضاء جمعیت، کسی بر اسرارشان وقوف یابد. با وجود  
این تاکنون چند نویسنده « بیگانه » و مخالفین فراماسونری، کتب و اطلاعات جالبی  
درباره آنچه که در درون لژها می گذرد، منتشر نموده اند.

در زبان فارسی تاکنون نوشته‌ای دقیق و صحیح درین باره بوجود نیامده است.

به همین جهت سعی شده، در این مختصر تا آنجا که مقدور بوده آئین و اسرار و رموز  
و تشریفات آنها بیان شود!

---

۱ - در نقل این اطلاعات از اظهارات کسانی که سابقاً در لژ بیداری ایران، بوده اند

قبل از اینکه به بحث درباره آئین و تشریفات و رسوم  
**شرایط عضویت** فراماسونها بپردازیم، لازم است شرط ورود به يك لژ فراماسونری  
**لژها** را شرح دهیم. محافل فراماسونری برای قبول عضو جدید  
 شرایط و تشریفات بسیار سختی دارند.

آنها برای اینکه از عضو جدید اطمینان کامل داشته باشند، سعی میکنند  
 فرزندان فراماسونها را به عضویت لژها درآورند.

فراماسونها فرزندان ذکور خود را «گرگ زاده» و «گرگ بچه» می خوانند.  
 دسته از فرزندان فراماسونها که سر نگهدار و خوبستن دار باشند از هجده سالگی  
 به عضویت در لژها می شوند. اینگونه فرزندان چون زیر دست پدر (ماسن) تربیت  
 می شوند، میتوانند در هجده سالگی بوظائف يك فراماسون مبتدی پی ببرند و اسرار را  
 بیازمایند. فراماسونها از عضویت فرزندان خود دو نظر دارند:

۱- کسی را به عضویت لژ می پذیرند که از هر حیث مورد اعتماد و اطمینان است.  
 ۲- با عضویت «گرگ زاده» ها در لژهای فراماسونی تسلسل خانواده ها در این  
 سخن ادامه می یابد.

۳- پیوندگرگ زاده ها با دستگاه حاکمه هر کشور با عضویت بچه های فراماسونری  
 در آنها محکمتر می شود و بدین ترتیب همیشه کارهای مهم مملکتی در دست «خودی»  
 است. شرط ورود شخص عادی به لژ، در درجه اول داشتن ۲۱ سال است.

دوطلب باید مردی «آزاد» باشد. در فراماسونری حرفه ای منظور از آزاد  
 «تبودن است. بنایان فزون وسطی کسی را که «برده» و «رعیت» بود به عضویت  
 خود نسیب گرفتند. امروز که ارباب و رعیتی و بردگی از بین رفته، فراماسونها  
 ورود دوطلب را «نداشتن عقاید سیاسی مخصوص» میدانند. دوطلب ورود به  
 لژ آزادی فکری هم داشته باشد تا بتواند نظریه های عقلانی و منطقی را ولو  
 لاف عقاید خود بپذیرد.

دوطلب باید ناخص الاعضاء نباشد و نسبت بوطن و زاد و بوم خویشتن نیز تعصب  
 نداشته باشد. وقتی کسی دوطلب ورود به لژ می شود، سازمان اطلاعات لژ مأمور

تحقیق درباره او می‌گردد و پس از تحقیقات لازم سه نفر فراماسون عضو لژ و رقه عضویت وی را امضاء میکنند . در بعضی از لژها سه معرف مأمور تحقیق درباره خصوصیات اخلاقی ، سیاسی و اجتماعی او می‌شوند . نفر اول مأمور می‌شود که در خصوص عزیمت داوطلب به خانواده و میهنش تحقیق کند .

نفر دوم مأمور می‌شود که اطلاعات و عقاید فلسفی عضو جدید را درک کند . سومین نفر می‌بایستی درباره عقاید سیاسی و مسلك و مشرب اجتماعی وی تحقیق نماید کلیه اطلاعات مکسبه در پرونده‌ای جمع‌آوری می‌شود و برای تصویب شورایعالی یا هر مرجعی که تعیین شده است ارسال می‌گردد .

شورایعالی پرونده را در حضور اعضای مجمع مطرح مینماید و رأی می‌گیرد که آیا داوطلب را به عضویت بپذیرند یا نه ؟

آن قسمت از اعضای مجمع که موافق با عضویت آن شخص هستند رأی موافق یا مهره سفید و مخالفین با مهره کیبود رأی میدهند .

پس از آنکه داوطلب آراء موافق کافی بدست آورد ، جلسه مقدماتی برای آشنائی با او تشکیل می‌شود .

طبق اساسنامه‌ای که در اکثر لژها هست وقتی هفت عضو مجاز فراماسونری در نقطه‌ای باشند میتوانند برای تربیت يك عضو جدید و آشنا کردن وی بر موز فراماسونری يك لژ موقتی تشکیل بدهند . ولی ادامه کار لژ مزبور بسته به کسب اجازه از لژ اصلی است و مثلاً در انگلستان باید از « لژ بزرگ وابسته » کسب اجازه کرد .

پس از اینکه عضویت داوطلب تصویب شد ، معرفی او در **اولین جلسه** در روز مقرر وارد لژ میکنند . وقتی داوطلب وارد جلسه می‌شود هیچ کسی را نمی‌شناسد ، برای اینکه اعضای لژ « فراماسونری » نقاب بر صورت دارند . شخص تازه وارد را ابتدا با طاق « تفکر » راهنمایی میکنند . در اطاق تفکر يك اسکلت ( یا عکس اسکلت ) و چند جمجمه استخوانی با داس مرگ بطور وحشت‌آوری قرار دارد و دو شعار بدین شرح بدیوار نصب شده است :

۱- اگر برای تحصیل مال و جاه و مقام باینجا آمده‌ای خارج شو زیرا اینجا بتو پول و مقام نمیدهند .

۲- اگر آمده‌ای بدانی چه خبر است و تماشا کنی ، بدان که هیچ چیزی که قابل تماشا باشد در اینجا وجود ندارد .

در این اطاق فقط يك ميز و صندلی است که روی ميز قلم و کاغذ قرار دارد کاغذها بهتون چاپی و صیقلی ، قسم نامه و اعترافات است . وقتی داوطلب آنچه را که باو دیکته میکنند نوشت ، ناظم لژ که نقاب بصورت دارد او را باطابق که اعضاء مجمع عمومی ویرجسته تشنه اند میبرد و پس از تصویب آنچه که داوطلب نوشته ناظم او را برای رفتن به غسل آماده میکند . و نقاب سیاه بصورت او میزند و يك طناب بگردنش هیاندازد . پس يك دست و يك پای او را از آستین و باجه شلوارش بیرون میآورد و در حالیکه طناب او را میکشد کایه لوازم فیزیائی ، شمشیر ، هفت تیر و غیره از او گرفته شده و بجلسه رسمی میبرد . در اطاق آزمایش ناظم بلافاصله از وی کناره گیری میکند ! عضو جدید وسط اطاق قرار میگیرد . در اینموقع رئیس لژ با قائم مقام او ، خطاب به او وجودید میگوید ؛ چشمهای خود را باز کن . عضو جدید بعد از دریافت اجازه دستمال آتزروی چشم بر میدارد و چشم او بعد از آن از اشخاصی میافتد که مثل موقعی که وارد لژ روینده است نقاب بر صورت دارند ولی سرشان پوشیده نیست و سرپوش «طیلسان» را سر دور کرده اند .

مردی که رئیس لژ یا قائم مقام او میباشد خطاب به عضو تازه وارد میگوید آیا برای آزمایش حاضر هستی ؟ و عضو تازه وارد جواب میدهد بلی ای معمار بزرگه ، بلی ای آقا . رئیس لژ از او میپرسد آیا میدانی که آزمایشی که بعمل میآید چیست ؟ عضو جدید اظهار بی اطلاعی میکند و میگوید خیر چگونه آنرا بمن ن گفته اند .

رئیس لژ میگوید آزمایشی که از شما می شود برای سنجیدن میزان فرمانبرداری

۱- آئین و تشریفات سری لژهای انگلیسی در کتابی که به قیمت گزاف خریداری شده

تجدید نگارنده موجود است .

شماست . کسی که وارد محفل مامی شود باید بداند که اولین شرط شرکت در این محفل اطاعت محض می باشد و شما برای اینکه به عضویت محفل پذیرفته شوید باید سه امتحان بدهید و یکی از آن سه امتحان هوا می باشد و دیگری آتش و سومی آب، محض تازه وارد اگر ساده باشد میبرد امتحان هوا چیست ؟

رئیس میگوید امتحان هوا این است که هوا بسینه شما نخواهد رسید یعنی شماره حلق آویز خواهند کرد، آیا در خود آنقدرت را می بینید که حلق آویز شوید؟ عضو جدید - الوورد می گوید بلی . رئیس لژ اظهار می کند تصور ننمائید که موضوع حلق آویز شدن شما شوخی است و ماقط می خواهیم شمارا بترسانیم بلکه برآستی حلق آویز خواهید شد و در اینموقع ناظم لژ، طنابی را که آماده دارد بایک چهار پایه هیا آورد و بالای چهار پایه میرود و یک سر طناب را بشکل حلقه درمی آورد و سردیگر را از حلقه ای که برستف نصب گردیده است می گذراند و فرود می آید.

رئیس لژ بعضو جدید می گوید بالای آن چهار پایه بروید و طناب را بادت خود حلقه کردن کنید و بداند که دو نفر از اعضای این محفل سر طناب را خواهند گرفت و ناظم لژ، چهار پایه را از زیر پای شما خواهد کشید.

عضو جدید اگر بیم بخود راه ندهد بطرف چهار پایه میرود و بر آن صعود مینماید و حلقه طناب را اطراف گردن می اندازد. موقعی که او سر را از حلقه طناب عبور میدهد دو نفر از اعضای «لژ» سر طناب را بدست میگیرند تا بظاهر و برآ بالا بکشند و ناظم لژ، یک مرتبه چهار پایه را از زیر پای وی می کشد ولی عضو جدید بجای اینکه آویزان گردد بزمین می افتد. زیرا طنابی که از حلقه سقف عبور داده شده در واقع از یک حلقه بی استقامت عبور کرده است ولی عضو جدید که به مناسبت تاریکی نمیتواند سقف را ببیند تصور می نماید که طناب را از یک حلقه آهنین عبور داده اند. اگر طناب مزبور از یک حلقه آهنین عبور میکرد بعد از این که یک مرتبه چهار پایه را از زیر پای آن مرد دور کردند، ستون فقرات آن شخص در موضع گردن می شکست و او زندگی را بدرود می گفت ولی چون طناب از یک حلقه بی استقامت در سقف گذشته است وقتی چهار پایه را از زیر پای وی دور می کنند، بزمین می افتد بدون اینکه آسیب ببیند اما مثل یک محکوم

همی که میخواهند او را بدار بیاورند قلبش فرو میریزد.

عضو جدید تا یکی دو دقیقه بعد از اینکه بر زمین میافتد از هراس آن واقعه در بیرخاستن نیست و ناظم لژ بازوی او را میگیرد و بلند می‌کند و رئیس لژ قدری اطرافیان خود مشورت مینماید و می‌گوید آزمایش اول شما رضایتبخش بود ولی این کمی نیست و شما آزمایش آتش را هم باید بدهید. عضو جدید می‌پرسد که امتحان آتش چیست؟ رئیس لژ می‌گوید که امتحان آتش این است که ما باید بدانیم شما حاضر هستید بر حسب امر «لژ» از آتش را استقبال کنید یا نه؟ آنگاه بر حسب دستور رئیس «لژ»، یک جلسه يك سینی در مقابل رئیس می‌گذارد. در این سینی يك طپانچه قدیمی، يك تف بارت و يك گلوله و قدری کهنه و يك چاشنی و يك سنبه کوچک وجود دارد، معمار که عضو جدید می‌گوید نزدیک شو و امر می‌کند که عضو جدید طپانچه را در مقابل نماید.

اگر روی رسم پر کردن يك طپانچه قدیمی را نداند معمار آنرا باو می‌آموزد و گوید اول باروت را در طپانچه بریزد و آنگاه روی آن قدری کهنه بگذارد و بعد او را وارد لوله کند و با سنبه بزند که پائین برود و آنگاه چاشنی را بر جای آن بگذارد. عضو جدید، طبق دستور معمار بزرگ (که صورتش را نمی‌بیند) طپانچه را بکشد و آنوقت رئیس لژ امر می‌نماید که سه قدم عقب برود و سپس می‌گوید لوله را روی شقیقه خود بگذارید. عضو جدید این دستور را هم انجام میدهد و بزرگ دستور شلیک میدهد.

اگر عضو جدید دچار تردید شود و از شلیک خودداری نماید او را از «لژ» خارج کنند و بصورت نمی‌پذیرند ولی هیچوقت چنین کاری نمیشود زیرا هر کسی که بخواهد شود قبلاً از این تشریفات کهنه و غیر حقیقی با اطلاع است. معمولاً داوطلب اگر جاشنه باشد و روی ماشه طپانچه فشار بیاورد، باروت آتش خواهد گرفت و گاز و دود در اطرافش خواهد شد. زیرا طپانچه مزبور شبیه طپانچه شتران است و وقتی باروت در لوله آن ریخته شد، به قبضه طپانچه منتقل میشود و بکلی از باروت مجزی میگردد و بعد از اینکه چاشنی آتش گرفت، باروت

طبایچه در قبضه آن مشتعل میگردد نه در لوله، غرض این است که هر گاه عضو جدید از امر معمار بزرگ اطاعت نماید و روی ماشه شلیک کند هیچ خطری متوجه عضو جدید نیست و این کارهای تکراری فقط برای آزمایش درجه اطاعت عضو جدید است.

پس از اینکه فوسفور شناخته شد، لژ فراماسونری «اسکاتلند» در فرانسه در صدد برآمد بجای طبایچه برای (آزمایش آتش) از فوسفور استفاده کند در آنجا عضو جدید را مقابل یک اجاق که دارای قطعات بزرگ و کوچک آتش است قرار میدهند و رئیس لژ امر می نماید که اشگرهای مزبور را بادست از اجاقها بردارد و روی سینه بگذارد. عضو جدید اگر اطاعت نماید و آتش های مزبور را از اجاق بردارد احساس سوزش نخواهد کرد و اگر قدری اطلاع داشته باشد درمی یابد آنچه تصور می کرد آتش است در حقیقت قطعاتی از چوب یا ذغال است که به فوسفور آلوده شده است. امتحان آتش برای کسانی که نمیدانند چوبهای آتشین به فوسفور آغشته شده ظاهراً وحشت آوراست ولی همانطوریکه گذشت این تشریفات قدیمی و کهنه که به سخره بیشتر شبیه است از قدیم باقیمانده است و معمولاً داوطلب از آنها بیروز بیرون می آید.

آزمایش دیگری که از عضو جدید به عمل می آید موسوم به آزمایش «آب» است. در بعضی از لژها این آزمایش را مبدل به آزمایش خون کرده اند. اعضاء لژ بعدا وطلب می گویند که باشمشیر به شیئی که از کاغذ ساخته اند حمله کند و شمشیر بر قلب او فرو کند. همینکه نوک شمشیر بکاغذ فرورفت مشک بر از خون پشت آن شکافته میشود و خون جاری میگردد. در فراموشخانه ملکم و لژ بیداری ایران نیز همین ترتیب عمل میشد و در زیر زمین باغ شعاع السلطنه که باشعله قرمز و بارچه دبیت سپه آرایش شده بود، این آزمایش صورت میگرفت.

اگر عضو جدید از هر سه آزمایش بیروز بیرون آمد و امتحانات اورضایت بخش بود، رؤسای لژ فراماسونری از اطاق آزمایش خارج میشوند و فقط کسانی باقی می ماندند که عضو جدید باید آنها را بشناسد و آنها نقاب از چهره بر میدارند و ورود عضو جدید را بلژ فراماسونری تبریک میگویند. در همان جلسه اشارات و علائم و اسراری که در درجه اول لازم است با او آموخته میشود و بدین ترتیب اولین جلسه آزمایش و قبولی عضو



تشکیلات و سازمانهای داخلی لژهای جهان اکثراً شبیه  
**آئین و تشریفات** یکدیگرند. به همین جهت فقط بشرح سیستم قبول عضو جدید  
**محفل بزرگ مصر** و آئین داخلی لژهای مصر و روسیه قدیم که دو نمونه جالب است  
 اکتفا میکنیم :

آئین و تشریفات که در لژ روسیه جاری بوده از آن  
 قابل توجه است که يك نویسنده بزرگ روسی آنرا با جزئیاتش ذکر میکند. اما  
 فراماسونری مصر بدین سبب انتخاب شده که همواره پیشرو و پیشقدم تأسیس لژهای  
 حتی در آفریقا و خاورمیانه و آسیا بوده و هست. در ایران نیز تاکنون محفل بزرگ مصر  
 بدین لژ تشکیل داده که اطلاع بر موز و اسرار آن مورد توجه ایرانیان خواهد بود.<sup>۱</sup>  
 پناهگاه سری فراماسونری مصر در عمارت بزرگی در میدان اوپرای قاهره واقع  
 است. در طبقه دوم این عمارت عنوان « بزرگترین محفل ملی مصر » جلب توجه  
 میکند. هنگام ورود به پناهگاه فراماسونها، با نالار بزرگی روبرو میشویم. در این  
 چند قدم که پیش برویم، ناگهان مردی جلو ما را میگیرد. در وسط کمر بندى که  
 تمام این مرد بسته شده، قطعه پارچه سفیدی که از پوست گوسفند و مزین به نقشهای  
 مختلف است آویخته شده است. این مرد شمیر برهنه‌ای در دست دارد و برق  
 آهن خود را که از برق تیغه شمیرش خیره کننده تر است بتازه وارد میدوزد و از او  
 به علت ورود به محفل سؤال میکند.

اگر تازه وارد، از اعضاء لژ باشد، با اشاره مخصوص و اداء کلمه رمز وارد تالار  
 دولتی اگر برای اولین بار بخواهد به محفل فراماسونها راه یابد، در بان و حاجب  
 که بطرز خاصی بر در سالن دق الباب میکنند.

۱- محفل فراماسونری مصر در سال ۱۹۵۶ رسماً از طرف دولت جمهوری مصر منحل  
 گیل شد ولی چون سرهنکه عبدالناصر متوجه شد که سازمان ماسنی وسیله خوبی برای  
 وقت مقاصدش میباشد لذا مجدداً اجازه فعالیت بدان داد.

۲- ذبیح الله منصورى این قسمت از آئین و تشریفات را از کتاب فرانسوی فراماسونری  
 گرفته است.

پس از کوبیده شدن در ، روزه‌های مثلث شکل که در وسط درکار گذاشته شده ، باز میشود و دو چشم از پشت آن نمایان میگردد . برادر دربان و حاجب با او بطرز مبهم چند کلمه‌ئی میگویند و بلافاصله روزه مثلث شکل بسته میشود و پس از چند دقیقه راهنما و کسبیکه نازه وارد را معرفی کرده به پشت در می‌آید و مستقیماً ویرا باطابق انتظار و تفکر میرسد .

طالار بزرگ لژ فراماسونها را در مصر «هیکل» نام گذاشته‌اند و در سایر همالک هر یک نام مخصوصی دارد . هیکل محلست که در آن جلسات محفل منعقد میشود و در صدر آن تخت بلند و مجللی دیده میشود که بدان «عرش سلیمان» میگویند .

عرش سلیمان به تخت پادشاهان انگلیس در قرون وسطی شباهت دارد . بر بالای این تخت مردی که از همه مسن‌تر است و مقام سی‌وسه دارد نشسته ، گردن بند بزرگی از طلا و نشانهای متعددی به سینه دارد ، و در دست او چکش و در برابرش زاویه و برگاره ، بچشم میخورد .

در طرفین تالار ، اعضاء لژ قاهره که اکثراً نشانهای نظیر نشان رئیس منتهی بدون زنجیر طلا دارند ، در روی صندلی و جایگاههای مخصوص خود نشسته‌اند . در پیرامون «عرش سلیمان» ، مردانی حامل شمشیر و چیزی شبیه بنیزه ایستاده‌اند و رئیس را حراست میکنند . در کنار آنها ، ستونهای ضخیمی بنظر میرسند ، که روی آنها با اشکال ازدها و مار و عقاب نقش شده است .

در وسط تالار حرفی ( G ) لاتین آویخته شده و در پشت سر «تخت سلیمان» چشم بزرگی است که بعقیده فراماسونها چشم خداست که در همه حال بر اعمال و اقوال ایشان نظارت مینماید .

در سمت راست تخت ، قرص «ماه» که مظهر و نماینده شب است و در سمت چپ قرص خورشید که مظهر و نشانه روز است مشاهده میشود . هنگامیکه رئیس لژ بر تخت سلیمان جلوس نموده آغاز سخن میکند و میگوید :

— برادران ، برای افتتاح جلسه مرا کمک کنید .

و سپس با چکشی که بدست دارد ، بروی میز کوچکی که مقابلش گذارده شده

میکوبد ، شخصی که برصندلی بلند سمت چپ او نشسته ، جواب چکش رئیس را میدهد ،  
و جواب هر دو را ، شخص دیگری که در روبرو و در انتهای تالار جلوس کرده میدهد .  
این دو نفر مخبرین اول و دوم جلسه هستند ، در این هنگام تمام حاضرین در  
جلسه بدون هیچگونه صحبت و اشاره‌ئی از جای خود برمیخیزند و سپس رئیس مخبر  
دوم را مخاطب قرار داده و میگوید :

- ای برادر نخستین وظیفه هر بنای آزاد چیست؟

مخبر دوم - نخستین وظیفه وی اینست که محفل را محلی در بسته و محفوظ ببیند  
رئیس - این امر را تحقیق کنید .

مخبر دوم (به نگهبان داخلی) برادر تحقیق کنید که محفل در بسته محفوظ است یا نه؟  
نگهبان داخلی (بدون آنکه هیچ بگوید و یا اشاره‌ئی کند ضربتی بدر میگوید)  
نگهبان خارج با کوبیدن در بدون اینکه صحبتی کند جواب او را میدهد .

در اینوقت نگهبان داخلی جلو میآید و میگوید:

برادر - مخبر دوم ، در بسته ، و کس را بدرون این محفل راه نیست .

مخبر دوم (خطاب بر رئیس) :- رئیس محترم در محفل بسته و کاملاً محفوظ است .

رئیس - برادر ، مخبر اول ، وظیفه دوم چیست ؟

مخبر اول - تحقیق در اینست که تمام حضار بنایان آزاد و از احرار هستند .

رئیس - برادران ، نظام بنایان آزاد در درجه اول قرار دارد .

در این هنگام برادران رو بهم قدمی برداشته و با دست اشارات مختلف و عجیب  
و غریبی یکدیگر میکنند .

رئیس - برادر - مخبر دوم ما ، عده کارمندان اصلی در محفل چقدر است ؟

مخبر دوم - عده آنها سه نفر است رئیس محترم محفل و مخبر اول و مخبر دوم .

رئیس - برادر مخبر اول ، عده کارمندان غیر اصلی که بعنوان مساعدت و کمک

انجام وظیفه مینمایند در محفل چقدر است ؟

مخبر اول - بجز دربان سه نفر هستند ، دو تن مرشد و یک نفر نگهبان داخلی .

رئیس - برادر مخبر دوم محل دربان کجاست ؟

مخبر دوم- بیرون در محفل .

رئیس- وظیفه او چیست ؟

مخبر دوم- شمشیری برهنه بدست دارد که مانع از ورود دشمنان ، جاسوسان و یگانگان گردد و اجازه ندهد که بدین ترتیب دیگران از کارهای ما مطلع شوند .

رئیس- برادر ، مخبر اول، محل نگهبان داخلی کجاست ؟

مخبر اول- در داخل محفل و در کنار در .

رئیس- وظیفه اش چیست ؟

مخبر اول- در بروی هر بنای آزاد ، پس از اطمینان از شخصیت او بگشاید ، و داوطلبان را طبق رسوم لازم بپذیرد مشارالیه او امر مخبر دوم را اطاعت نماید .

رئیس- برادر ، مخبر دوم، مقام مرشد ثانی کجاست ؟

مخبر دوم: آنچه را که مخبر اول از او امر رئیس محترم باو میدهد باید به مخبر دوم نقل کند، تا به وقت اجراء شود .

### بنام مهندس اعظم جهان

رئیس- برادر مخبر اول، محل مرشد اول کجاست ؟

مخبر اول سمت راست رئیس محترم و یا نزدیک باو .

رئیس- وظیفه او چیست ؟

مخبر اول - او امر رئیس محترم را بمخبر اول نقل نماید .

رئیس- برادر ، مخبر ثانی محل شما در محفل کجاست ؟

مخبر دوم- سمت جنوب .

رئیس - برای چه در سمت جنوب محل شما تعیین شده ؟

مخبر دوم برای اینکه مراقب زوال خورشید باشم و برادران را از کار بااستراحت و از استراحت بکار دعوت نمایم تا اینکه نفع و خرسندی عایدشان گردد .

رئیس برادر ، مخبر اول ، محل شما در محفل کجاست ؟

مخبر اول- سمت مغرب .

رئیس- برای چه سمت مغرب محل شما تعیین شده ؟

مخبر اول- برای اینکه مراقب غروب آفتاب و پایان روز باشم و پس از آن که مشاهده نمودم هر يك از برادران آنچه را که استحقاق دارد بدست آورده بامر رئیس محترم در محفل را قفل کنم.

رئیس- برادر رئیس محترم سابق محل رئیس محترم کجاست؟

رئیس محترم سابق- سمت مشرق.

رئیس- برای چه سمت مشرق محل او تعیین شده است؟

رئیس سابق- چون آفتاب از سمت مشرق برای روشنائی و خشنودی طلوع میکند، از اینجهت ضرورت داشت که رئیس در سمت مشرق جلوس نماید و جلسه را افتتاح کند، و برادران را طریقه بنایان آزاد تعلیم دهد .

رئیس- برادران اینک که معلوم شد جلسه ما طبق مقررات تشکیل گردید :

پس بیائید همه با هم قبل از اعلام افتتاح محفل بدرگاه آفریدگار اعظم جهان تضرع و استدعا کنیم که کارهای ما را مشمول برکات و عنایات خود گرداند تا اینکه اعمالمان مقرون بصلح و سلامت باشد و همانطور که با نظم آغاز گردید با نظم و توافق کامل پایان پذیرد.

رئیس سابق- آمین...

رئیس- برادران ... بنام مهندس اعظم جهان و تحت رعایت محفل هلی بزرگ عصر افتتاح این محفل را از طرف عالیترین مقام اعلام مینمایم.

رئیس با چکش چند بار بر میز میگوید، مخبر اول پاسخ او را میدهد و او چوبدست خود را که شبیه گرز است بلند میکند و سپس مخبر دوم پاسخ میگوید و او هم چوبدست خویش را آماده نگه میدارد. سپس بترتیب نگهبانان همین تشریفات را انجام میدهند. در اینوقت رئیس محفل سابق پیش میآید و کتاب را گشوده و زاویه و پرگار را در جای خود میگذارد و مرشد دوم لوحه درجه اولی را میکشاید و بجای خود می نشیند پس از آن همه برادران می نشینند.

## طرز ورود بمحل فراماسونری روسیه تزاری

لونیسکالا پویچ تولستوی نویسنده معروف روسی در قسمت دوم کتاب جنگ و صلح، درباره ورود یکنفر روسی بمحل فراماسونری پترزبورگ در سال ۱۸۷۶ دامتن مفصلی مینویسد که خلاصه آن چنین است:

کنت پی بر پس از ورود پترزبورگ با کنت ویلارسکی جوان لهستانی در اجتماعات پترزبورگ آشنا میشود. يك روز کنت ویلارسکی، بدیدن پی بر میآید و پس از اینکه مطمئن میشود که هیچکس در اطاق نیست باو میگوید: کنت! من با یفهم و پیشنهادی نزد شما آمده‌ام، شخصی که در انجمن اخوت ما مقام و مرتبه بسیار ارجمندی دارد، توصیه کرده است که شما را زودتر از موعد مقرر در انجمن بپذیرند و بمن پیشنهاد کرده است که ضمانت شما را بعهده بگیرم. من اجرای امر این رجل عالی‌مقام را قطعاً مقدس خود می‌شمارم. آیا شما میل دارید که بضانت من بانجمن اخوت فراماسونها وارد شوید؟

آری، من میل دارم.

ویلارسکی سر را خم کرد و گفت:

- کنت سؤال دیگری از شما دارم ولی خواهش میکنم که جواب آنرا نه بمنویسید. یکنفر از اعضای فراماسون آینده بلکه بعنوان مرد شرافتمند و راستگو بمن بگویند. آیا شما از تمام معتقدات سابق خود دست برداشته‌اید، آیا بخداوند ایمان دارید؟ پی بر لختی اندیشیده گفت:

- آری... آری، بخداوند ایمان دارم.

پی بر و ویلارسکی با کالسکه‌ئی بطرف عمارت بزرگی که لژ فراماسونها بود و رفتند، آنها از پله‌های تاریکی گذشته باطاق انتظار کوچک روشنی رسیدند و در آنجا بدون کمک خدمتکار پالتوی خود را از تن بیرون کردند.

پس از اطاق انتظار، باطاق دیگری وارد شدند که مردی بالباس عجیب در آنجا

آن ظاهر شد. ویلارسکی با استقبال اورفته بزبان فرانسه آهسته سخنی گفت و سپس بجانب گنجه کوچکی رفت و در آن راگشود.

پی بر لباسهای جدیدی را که تا آنموقع نظیر آنرا ندیده بود در آنجا مشاهده کرد. ویلارسکی دستمالی را از آن گنجه بیرون آورد و چشم پی بر را با آن بست. ویلارسکی او را بسوی خود کشید و بوسید و دستش را گرفت و همچنان چشم بسته بمحلی برد.

ویلارسکی پس از آنکه در حدود ده قدم او را رهبری کرد، توقف نموده گفت: - اگر عزم راسخ دارید که بانجمن اخوت ما وارد شوید، باید هریش آمدی را مردانه و شجاعانه تحمل کنید... وقتی صدای درزدن را شنیدید، چشم خود را باز کنید، من شجاعت و هوقیت شما را آرزو مندم، پس دست پی بر را فشرده خارج شد. متعاقب آن ضربات محکمی بدر گرفته شد.

پی بر دستمال را از پیش چشم برداشت و بگرد خویش نگریست.

اطاق تاریک و تیره بود تنها در يك گوشه آن چراغ کوچکی در برابر شیئی سفیدی میسوخت، پی بر نزدیکتر رفت و مشاهده کرد که چراغ روی میز سیاهی گذاشته شده و کتابی گشوده در کنار آن است. این کتاب انجیل بود و آن شیئی سفید که در مقابلش چراغ میسوخت، جمجمه انسانی بود که حفره های چشم و دندانهایش بخوبی دیده میشد.

پی بر نخستین کلمات انجیل یعنی در آغاز کلمه بود و کلمه نزد خدا بود، را قرائت کرد، از کنار میز گذشت و در کنار میز صندوق گشوده بزرگی را که از چیزی پر بود مشاهده نمود. این صندوق پر از استخوان بود. پی بر از آنچند دید بهیچوجه متعجب نشد... در آنجا جمجمه و تابوت و انجیل مشاهده میشد... در این میان در باز شد و یک نفر باطاق آمد.

در نور ضعیفی که پی بر در آن ناحدی بدتشخیص اشیاء موفق شده بود، مرد کوناہ آتنامی وارد شد. ظاهراً این مرد چون از روشنائی تاریکی آمده بود، توقف کرد، سپس

با قدمهای محتاط بجانب میز رفت و دستهای کوچک خود را که در دستکشهای چرمی مستور بود روی آن گذاشت.

این مرد کوتاه قامت پیش بند چرمی سفیدی بسته بود که سینه او و قسمتی از پاهایش را میپوشانید. بگردنش چیزی شبیه گردن بند آویخته، از زیر گردن بند نیز زابوی پنبی بیرون آمده بود، این طوق نوری صورت کشیده‌اش را که از پائین روشن میشد احاطه میکرد.

تازه دارد به پی‌یر گفت: «شما برای چه باینجا آمده‌اید؟ شما که بحقیقت روشنائی ایمانی ندارید و روشنائی را ندیده‌اید، برای چه باینجا آمده‌اید؟ شما از ما چه میخواهید، خرد، برهیزگاری یا تنویر فکر؟

پی‌یر چون پیش‌رفت آموزگار را که نامش اسمیولیانوف بود شناخت . در اصطلاح فراماسونها مردی که داوطلب ورود بجمعیت را آماده میسازد آموزگار نامیده میشود . آموزگار مجدداً سؤال خود را تکرار کرد و پی‌یر در جواب گفت:

آری، من... من... طالب تجدید زندگی باطنی هستم.

آموزگار گفت:

بسیار خوب.

و بیدرنگ بکار ادامه داده آرام و سریع گفت:

آیا شما آگاه هستید که جمعیت مقدس ما برای وصول شما به دقتان بچندوسی

متشیت میشود درباره فراماسون چه عقیده دارید؟

پی‌یر: معتقدم که آئین فراماسون برادری و برابری در میان مردمی است که بیست

خیر خواهانه دارند. آموزگار سینه‌اش را صاف کرد و دستهایش را بادستکشهای چرمی: سینه گذاشت و شروع بسخن کرده گفت:

اینک من باید هدف اصلی جمعیت خودمان را برای شما آشکار سازم و چند

این هدف باهدف شما مطابقت داشته باشد، در اینصورت از ورود بجمعیت اخوت ما تشریح

مطلوبه خواهد گرفت .



اولین و اصیلترین هدفی که جمعیت ما بر آن استوار است و پایه اتحاد این جمعیت محسوب میشود و هیچ نیروی انسانی نمیتواند آنرا واژگون سازد عبارتست از نگهداری يك راز مهم و انتقال آن بنسلهای آینده .

این راز با سائرین عهد ، حتی از بشر اولیه بما رسیده است و شاید سر نوشت نوع بشر وابسته بآن باشد ... ماضن تصفیه و اصلاح اعضای خود در راه اصلاح تمام ابناء بشر مجاهدت مینمائیم و اعضای خود را بعنوان نمونه و سرمشق پرهیزگاری و نیکوکاری بردمان ارائه میدهیم و بدینوسیله میکوشیم تا سرحد امکان خویش باشر و پلیدی که در جهان حکمفرماست مبارزه کنیم .

آموزگار نیکساعت بی بر را تنها گذاشت ، و پس از مراجعت برای عضو تازه وارد هفت فضیلتی که با هفت پله معبد سلیمان مطابقت دارد و هر ماسون باید آنها را پیشه خود سازد ، نیز بر شمرد . این فضائل عبارت بود از :

۱- فروتنی و نگهداری اسرار جمعیت ،

۲- اطاعت از اعضای عالیمقام جمعیت ،

۳- رفتار نیک ،

۴- عشق بنوع بشر ،

۵- مردانگی ،

۶- آزادگی و بلند نظری ،

۷- عشق بمرگ .

آموزگار پس از ادای این جملات از جایگاهی که بی بر در آنجا بود بیرون رفت و یهودیگر زودتر مراجعت کرده و از بی بر پرسید که آیا هنوز در عزم خود استوار است و صمیمیت دارد که آنچه بوی میکوبند انجام دهد .

- من برای همه چیز آمادام .

آموزگار گفت :

بعلاوه باید بشما اطلاع دهم که جمعیت ما تنها بوسیله کلمات تعلیمات خود را

نمی آموزد بلکه برای این منظور از وسایل دیگر که شاید بر جویندگان فضیلت و خرید  
 بیش از توضیحات لفظی موثر واقع شود، استفاده مینماید ... انجمن ، از جمعیت های  
 باستانی که تعالیم خود را بوسیله هیرو کلیف فاش میساختند ، تقلید میکند .

هیرو کلیف نامگذاری اشیائست که با حواس قابل درک نیستند و دارای  
 چگونگیهای شبیه بتها بر نسخه آنها میباشد .

آموزگار گفت اگر شما مصمم هستید، پس باید شمارا برای ورود بانجمن آماده  
 سازم . خواهش میکنم برای اثبات بلند نظری خویش تمام اشیاء گرانبهای خود را  
 تسلیم کنید . . . هر چه با خود دارید؛ ساعت ، پول ، انگشتر . پی بر کلیه اشیاء خود را  
 تسلیم کرد .

- نشانی قبول اطاعت خواهش میکنم لباس خود را در آورید . پی بر بدست  
 آموزگار فراق و جلیقه و کفش پای چپش را بیرون آورد . ماسون یقه چپ پیراهن خود  
 کشود ، پاچه چپ شلوارش را تازانو بالا زد .

آموزگار گفت : شهوت اصلی شما چیست ؟ پی بر گفت شرابخواری ، شکمخواری  
 تند خوئی ، غضب ، زنان .

ماسون پس از شنیدن این سخنان مدتی خاموش و بیحرکت ایستاد ، پس دوباره  
 بسوی پی بر رفت ، دستمال را از روی میز برداشت و باز چشم او را بست .

اندکی پس از آن بجای آموزگار ، ویلارسکی ضامن پی بر آمده از او پرسید  
 هنوز در تصمیم راسخ خود باقی هستید ؟

پی بر جواب داد آری ، آری

در حالیکه ضامن او شمشیری را بروی سینه برهنه او نگه داشته بود ، باو دست  
 حرکت داد سپس او را از آن اطاق بدلیز هائی که بجلو و عقب می پیچید هدایت کرد  
 و سرانجام بدر عمارت بردند . ویلارسکی سرفه کرد ، ضربات خشکی بشیوه ماسون  
 جوابش را داد . آهنگ بعی از او پرسید که کیست ؟ کجا و چه وقت بدنیا آمده است ؟  
 از ادای جوابها بدون اینکه چشمش را باز کنند ، بمکان دیگری هدایتش کردند .

راه راجع بدشواربها و مشقات راهی که برای وصول بکمال درپیش داشت و راجع بدوستی مقدس و راجع بابدیت خالق عالم و در باره جرأت و شپاعتی که باید در تحمل زحمات و خطرات ابراز نماید باره زوکنایه باوی سخن میگفتند . درحالیکه با او حرف میزدند صداهای مختلفی که بوسیله ضربات شمشیر و چکش بوجود میآمد شنیده میشد .

هنگامیکه او را بسوی شیئی هدایت میکردند متوجه میشد که میان راهنمایان او نردید و پیریشانی بوجود آمده است . صدای نجوای اطرافیان خود را می شنید که آهسته بایکدیگر بحث میکردند و یکی از ایشان اصرار میورزید که او را روی فرش معینی عبور دهند . پس دست راستش را گرفتند و روی چیزی فرار دادند و بوی امر کردند که یادست چپ پرگاری را روی سینه چپ نگهدارد و او را مجبور کردند تا با تکرار کلماتی که یکنفر اداء میکرد بقوانین انجمن سوگند وفاداری یاد کند . آنگاه شمعه خاموش گردید و چراغهای الکلی روشن شد ... پی بر در نور ضعیف شعله الکلی چند نفر را دید که با پیش بندهائی شبیه پیش بند آموزگار رو بروی او ایستاده و شمشیرها را مقابل سینه او نگه داشته اند در میان ایشان مردی با بیراهن سفید خون آلود ایستاده بود ، پی بر بعضی مشاهده این منظره بقصد آنکه شمشیرها در سینه اش فرود رود سینه را پیش داد . اما شمشیرها عقب کشیده شد و دوباره چشمش را بستند .

صدایی باو گفت :

— حال نوروشنائی ضعیف را دیدی .

پس دوباره شمعها را روشن کردند و گفتند که باید روشنائی کامل را مشاهده کنی و باز چشمش را باز کردند و پیش ازده صدا یکباره گفت : Sic Transit Gloria mundi

یعنی «افتخار و شکوه جهانی چنین میگردد» پی بر سپس باطلاقی که در آن میز نوردی که با پارچه سیاهی پوشیده شده بود و دوازده نفر با لباسهای مخصوص فراسوها در آن میز نشسته بودند رفت .

رئیس جمعیت که صلیب عجیبی بگردن و چکش کوچکی در دست داشت در

صدر هیئت ۱۲ نفری قرار گرفته بود ، در دیوار ستاره فروزانی کنده شده بود ، در پشت  
طرف میز قالی کوچکی با نقش و نگار و تصاویر مختلف گسترده و در طرف دیگر آن مکتبی  
شبه به محراب بود که انجیل و جمجمه ای در آن قرار داشت . اطراف میز هفت شمعدان  
شبه به شمعدانهای کلیسا گذاشته بودند ، دو نفر از برادران پی بر او سوی محراب بردند  
و پاهای او را بوضع زاویه قائمه قرار دادند و بوی امر کردند بخاک بیفتد و در آستانه معبد  
سجده کند . پس از انجام سجده ، پیش بندی نظیر پیش بند دیگران بوی بستند و پیش بند  
و سه جفت دستکش بدستش دادند و آن نگاه استاد بزرگ او را مخاطب ساخته گفت که :  
بکوش تا این پیش بند سفید را که مظهر قدرت و پاکدانی است لکه دار نسازد . در هر  
بیل گفت باید مجاهدت نماید تا با آن دل خود را از مفسد پاک و مفرح سازد و با صبر و  
شکیبائی و تمکین و مدارا را خویش را بدل تردیگان و هموعان خود بگشاید .

در باره يك جفت از دستکشهای مردانه گفت که اینك اهمیت آنرا نمیتوان  
بداند اما باید آنرا محفوظ نگهدارد ، در باره دستکش دیگر گفت که در بعضی  
موقع تشکیل جلسات انجمن پیوسته و راجع بدستکش زنانه سوم گفت :

— برادر مهربان ! این دستکش زنانه را نیز برای شما در نظر گرفته ایم . آنرا  
بآن زن بدهید که بیش از همه مورد احترام شما خواهد بود . این هدیه بزرگان است  
پاکی دل شما برای آن زنیست که او را بعنوان همکار خود در انجمن ماسونها انتخاب  
میکنید .

اما برادر عزیزا مراقب باش که این دستکشها زینت بخش دستهای نابالغ نشود  
آنوقت علائم مجمع فراماسونها را با و نشان دادند ، کلمه عبور را بوی آموختند و بالاخر  
بوی اجازه نشستن دادند . استاد بزرگ بخواندن مراسمنامه پرداخت . مراسمنامه  
مفصل بود و استاد بزرگ چنین میخواند :

« ما در معابد خود هیچ اختلاف درجه نداریم ، تنها اختلافی که هست میان  
تقوی و گناه است باید از ایجاد هر اختلافی که سبب نقض برابری میگردد اجتناب کرد  
آری ! بكمك برادر خود هر کس میخواهد باشد ، بشتاب ، گمراهان را نصیحت کن

دست افتادگان را بگیر ! هرگز برادر خود کینه و خصومت نوز ! مهربان و مؤدب باش ! اخگر برهیزگاری را در دل همه کس شعله‌ور ساز ! هموعان و نزدیکان خود را در سعادت خویش شریک کن و بدان که هرگز غبار حسادت باکی این لذت را تیره و مکرر نخواهد ساخت . دشمن خود را عفو کن ! از او انتقام نکش ، بوی نیکی کن ! اگر عالیترین قانون را بدین طریق اجراء کنی آثار آن عظمت باستانی را که از دست داده‌ای باز خواهی یافت . «

استاد بزرگ یسخان خود پایان داد و برخاسته پی‌یر را در آغوش کشید و بوسید . همه باوتبریک گفتند . استاد بزرگ چکش را روی میز کوفت ، همه بجای خود نشستند ، یکنفر بخواندن خطابه‌ای درباره لزوم حلم و بردباری پرداخت .

استاد بزرگ پیشنهاد کرد که آخرین وظیفه را انجام دهند و شخصی و اقامت که پی‌یر او را میشناخت و وظیفه‌اش جمع آوری صدقه بود برخاست و دور زد . پی‌یر مبلغی که دیگران میدادند او نیز پرداخت . بدین ترتیب یکنفر وارد فرقه فراماسونری شد .

گرچه اسرار و سکوت بر تاسر لژهای فراماسونری را گرفته ،

**مخارج لژها** معذک اکثر لژهای فراماسنی آمریکا و حتی گراند لژ انگلستان همه ساله بودجه سالانه خود را در کتاب‌های سال منتشر میکنند .

اکنون که مشغول نوشتن هشتم ارقام چند سال لژهای انگلستان و آمریکا جاو جثمانم قرار گرفته است . ولی هر قدر درآمد و هزینه گراند لژهای اصلی ، و شورایی ماسنی آمریکا و انگلستان علنی است ، به همان نسبت در آمد و مخارج و بودجه لژهای ماسنی شرق و آفریقا در پشت پرده اسرار قرار دارد .

چنانچه تاکنون حتی یکبار هم دیده و شنیده نشده که لژهای ماسنی ایران ارقام بودجه خود را منتشر نمایند . و همین اقدام سبب شده است تا مردم بکارهای آنان در کشور خود با سوء ظن نگاه کنند .

سازمانهای اصلی و فرعی فراماسونری ایران با درآمد اعضاء آن اداره میشود . همچنانکه در اروپا و آمریکا هزینه لژهای فراماسونری را اعضای آن تأمین میکنند

و هر عضو میباید در هر ماه مبلغی بابت حق عضویت به لژ بپردازد .

در انگلستان ، اعضاء لژهای فراماسونری حق عضویت را هر سه ماه يك بار و پیش ( پیش ) میپردازند . لژهای فراماسونری در انگلستان ، امریکا ، فرانسه و ایتالیا ، مخارج زیادی دارند . و این مخارج در درجه اول عبارتست از کتابها و رساله‌هایی که در طرف لژ ، چاپ میشود و بین اعضاء توزیع میگردد و در درجه دوم هزینه تعمیر محل لژ ( اگر اختصاصی باشد ) یا کرایه آن اگر ثابت است بجزاری باشد . در ایران لژ و مدرسه فراماسونری ( اسکاتلند ) از سال ۱۹۲۱ در محل کلیسای انجیلی واقع در خیابان قوام السلطنه همسایه مبلغی بابت ( کرایه محل ) بدگلیسا میپردازد . در این محل که فراماسونهای ایراس بدان نام کاتخ بنامین آزاد داده‌اند لژ و روشنائی در ایران تشکیل میشود .

غلاوه بر مخارج فوق‌الذکر حقوق لژ در آن دقتی ، مستخدمین جزء و مخارج دیگر لژهای فراماسونری از محل حق عضویت اعضاء برداشت میشود . در فرانسه ، ایتالیا ، اعضاء لژها غیر از حق عضویت چیزی به لژ نمی‌پردازند ولی در کشور امریکا بعضی از اعضاء فراماسونری که لژ و تمدن حساس در حال حیات با طبق وصیتنامه بعد از مرگ ، هدایای قابل توجهی به لژها میدهند . تا همین حدی است که مریشخانه‌ها ، مدارس و پرورشگاه‌های فراماسونری بوجود میآید .

در لژهای فراماسونری بهیچ عضو حقیر پرداخته نمیشود و حتی رئیس لژ که آن اداره میکند و زحمتش بیش از دیگران است حقوق دریافت نمیکند . هر کاری که طرف و معمار بزرگ ، یا اعضاء ارجمول لژ در باید بدون انتظار پاداش با انجام برسد هر کسی که عضو يك لژ فراماسونری است ، باید از رفدای داشته باشد که بتواند بدان وسیله امر را رعایت کند . فقط با اعضاء دقتی لژ که در وقت آنها در دفاتر و شعبات مختلف میگذرد ، مستخدمین جزء حقوق داده میشود .

در ایران فراماسونهای فرخ انگلیسی مؤسسه‌ای بنام «انجمن معاملات خارجی» دارند . این محل که به اسم اشخاص بدست رسیده ولی در حقیقت مرکز و دفتر کمیته فراماسونیه است و البته معاملات بجزاری هم در آن صورت میگیرد .

معموم نیست در آمد این شرکت به چه مصارفی میرسد؟ زیرا این مؤسسه نیز در  
 عدم واسطه اسکووت فروخته است. ولی بهر حال تعدادی از آن منتفع میشوند.

از زمانی که فراماسونری نظریه بوجود آمد، تا روزیکه قانون

**مذهب** اساسی دکتر اندرسن به تصویب مجامع ماسونی انگلیس رسید.

مسئله مذهب در بین سازمان اسکووت بود. ولی چون در قانون

مربوط به مذهب «آزاد» اعلام گردید، به همین جهت صاحبان همه ادیان حق ورود

را پیدا کردند. به موجب قوانین دکتر اندرسن هوقهیکه پیروان مذاهب مختلفه اند

میتوانند، میباشند کتاب آسمانی خودشان را به محفل بیاورند و با حضور همه اعضا

تسلیم انجام گردد.

تختین لژی که مذهب، و اعتقاد به ت خداوند، را انکار کرد، گراندر فرانس

(گراتنداوریان) بود. بطوریکه گذشت لژی فراماسونری فرانس، پس از مدتی

منتقل شد و از انگلستان جدا گردید این گراندر مسئله قبول مذهب و اعتقاد بخدا

چون اساسی مسکووت گذاشت و آنرا ندیده گرفت. فراماسونهای انگلیسی که منتظر

بجای هیاتها با ماسنهای فرانس بودند، گراتنداوریان فرانس را مذهب

بوده و به همه ماسنهای عضو اعلام کردند که رابطه خود را با آن لژی و اعتقادش

قطع کنند.

هیاتها بین ماسنهای انگلیسی و فرانس در باره مذهب آنقدر ادامه پیدا کرد تا

روز ۳ سپتامبر ۱۹۲۹ (۷ ربیع الاول ۱۳۴۶ هـ) اثر بزرگ لندن که مرکز سازمان

بجای انگلستان است در میان فرمان که با اعضای معمار بزرگ رئیس لژی و اعطاء

اثر رسیده بود، تصریح کرد که از آن تاریخ بعد فراماسونری انگلستان هر گونه

رابطه با فراماسونری دیگر که هست اصل ذیل را رعایت نمایند، قطع

نمود.

پس - هر لژی فراماسونری باید با اجازه اثر بزرگ لندن، تأسیس شود و سه لژی

که اثر بزرگ لندن با آنها اجازه تشکیل لژیهای مختلف را داده است آنرا

تأسیس نمایند.

دوم - هر عضو فراماسون میباید به معمار بزرگ جهان [استاد اعظم لژ انگلستان] عقیده داشته باشد و هر کس این عقیده را ندارد نباید راه به لژ فراماسونری پیدا کند.

سوم - هر کس که وارد لژ «فراماسونری» میشود، باید بکتاب آسمانی عقیده داشته باشد و بداند که اراده معمار بزرگ جهان بوسیله کتاب مزبور ابراز شده است.

چهارم - در لژهای فراماسونری جز مردها نباید کسی عضویت داشته باشد.

پنجم - لژهایی که با اجازه «لژ بزرگ» تأسیس میشوند باید بر تری و سیادت مطلق لژ بزرگ را بپذیرند.

ششم - هنگامیکه اعضای لژ بزرگ با لژهای دیگر مشغول کار هستند میباید سه منبع روشنائی فراماسونری یعنی کتاب مقدس و گونیا و پرگار را مقابل خود داشته باشند.

هفتم - در لژها نباید بهیچوجه راجع به مسائل مذهبی صحبت شود.

هشتم - شعائر و رسوم فراماسونری در لژها باید بدقت رعایت شود.

فراماسونری امریکا و انگلستان که معتقد ب مذهب و خداوند هستند، در لژهای خود عکس «چشم» بزرگی را که در حرف (G) نقش شده آویزان میکنند. این لژها معتقدند که در هر حال باید «چشم خدا» آنها را زیر نظر داشته باشد آنها هرگز ب «چشم خدا» را فراموش نکنند.

در نقطه مقابل این لژها، فراماسونهای فرانسه، ایتالیا، اسپانیا و سایر کشورهای

لاتین لامذهباند و معتقد بخداوند نیستند و در بدر ورود اعضاء جدید از آنها نمیرسد که آبا به «خدا» معتقد هستند یا نه؛ البته اکثر کسانی که در گذشته و امروز عضو لژهای

«لامذهب» بوده و هستند، معتقد بخداوند و متدین بادیان مختلف جهان بخصوص مسیحیت، میباشند ولی در لژهای آنها اعتقاد به «خداوند» و «معمار بزرگ جهان»

۱ - منظور قبول عبودیت و اجرای دستورات صادره ب مراکز لژهای فراماسونری انگلستان است.



وجود ندارد .

درگراند لژ فراماسونری فرانسه و چند لژ امریکائی که بنامهای :

Shrine	۱- شریفر ها
Daughters of the Nile	۲- دختران نیل
Rainbow girls	۳- دختران قوس و قزح
Job's daughters	۴- دختران جوب
Order of the Eastern star	۵- ستارگان غرب

ناهیده می شوند و همچنین عده‌ای از لژهای ایتالیائی و اسپانیائی و آلمانی زنان را عضویت قبول می کنند . اما لژهای انگلیسی و لژهای تابعه آنها در جهان همچنان از قبول زنان خودداری می نمایند . و بانوان را فقط در میهمانیهای سفید راه میدهند . درگراند اوریان فرانسه مسئله سیاست و داشتن عقاید سیاسی نیز آنچنانکه لژهای انگلیسی عمل میکنند ، مورد توجه نیست . هم اکنون عده زیادی سلطنت طلب ، کمونیست ، سوسیالیست و لیبرال در کنار یکدیگر در وگراند اوریان فرار گرفته اند و فعالیت می کنند .

اولین وظیفه هر فراماسون در هر لژ این است که لب فرو بندد و آئین و اسرار اسرار فراماسونری و آئین آنرا بروز ندهد و اگر از او پیرسند که آیا راجع به فراماسونری اطلاعاتی داری یا نه؟ جواب منفی بدهد و در صورت لزوم سوگند یاد نماید که او در سازمان فراماسونری عضو نیست و نمیداند که فراماسونری چیست . افشاء اسرار فراماسونری و خود را معرفی کردن و گفتن اینکه من عضو فراماسونری هستم در نظر فراماسونها بزرگترین خیانت است .

يك عضو فراماسونری بمحض اینکه خود را در خارج از لژ بمردم معرفی کرد از عضویت معزول میشود و ممکن است که بموجب دستور " معمار بزرگ " مورد تنبیه هم قرار گیرد .

تنبیه او علاوه بر طرد از لژ فراماسونری اینست که اعضای لژ که مافوق او هستند

و او را می‌شناسند (ولی وی آنها را نمی‌شناسد) برایش مشکلات متعدد بوجود می‌آورد و بعضی از مزایای عضو خاطی و مطرود طوری در فشار قرار می‌گیرد که مجبور است جراتی وطن‌کند و بجای برود که اعضای برجسته لژ فراماسونری در آنجا نباشند.

سرژ هوتین نویسنده فرانسوی در کتاب خود شرح مفصلی درباره «رگن» انگلیسی که فرانسویها او را «راگون» مینامند ذکر کرده است.<sup>۱</sup> رگن که سالها در گرانده لژ انگلستان بود، پس از اخراج بیاریس رفت و وارد لژ «گرانده اوربان» شد و شرح وقایع سازمانهای فراماسونری فرانسه و انگلیس را تا سال ۱۸۹۵ م (۱۳۱۳ هـ) منتشر ساخت.

رگن مینویسد: آنچه که من طی سالها در لژهای فراماسنی انگلیس و فرانسه شاهد آن بودم، نه تنها جزو اسرار و رموز نیست بلکه هر شاگرد ابتدائی و متوسطه آن با خبر است. ما طی چند جلد متوالی در داخل درهای بسته لژ انگلستان یکدیگر را بزرگترین اسرار ماسنی را یاد گرفتیم. ماسونها بما میگفتند که هرگاه جریدن برقی را بیک لیتر آب متصل کنیم، و آنرا تبخیر نمائیم دو هزار لیتر بخار بهوا متصاعد خواهد گردید و بعد از اینکه آب مزبور به شکل هوا متصاعد گردید، اگر ینث جرقه قوی مرتفع در وسط آن مشتعل نمائیم دو هزار لیتر بخار مجدداً بدل بآب میشود و فرو میریزد. یک روز از طرف لژ بزرگ لندن از اعضاء دعوت شد تا در «لژ مغرب» با بحث

حاضر شویم. همه تصور میکردیم که مسئله مهمی سبب احضار ما شده ولی پس چندی مطلع شدیم که میخواهند، همه را از خبر اختراع دستگاه «طبیف شناسی» مطلع کنند. وقتی توضیحات معمار بزرگ و متخصصین ماسنی تمام شد من شرف حیرت شدم. زیرا دو ماه قبل از آن تاریخ در یکی از مجلات انگلیسی خواننده بوده که دستگاهی اختراع شده که از روی نور، تغییرات سطح ستاره‌ها را نشان میدهد. می‌دانم سایر ماسنها که از جزئیات این اختراع قبلاً توسط مجلات انگلیسی مطلع شده بودند وظیفه داشتیم که این اسرار را حفظ کنیم و به کسی بررز ندهیم در صورتیکه این امر فاش شده بود و همه از آن اطلاع داشتند. من هرگز رازی را که قابل افشا

لژهای انگلیسی ندیدم ، حتی شعبده بازی هم ندیدم ولی در عوض هر چه موهومات و خرافات ب فکر بشر رسیده بشکل شاعرانه و رسوم در لژها وجود داشت . فراماسنهای حرفه‌ای چون در بدو تشکیلات خود امور سیاسی ، معماری ، هندسی و اجتماعی را با اعضا خود می‌آموختند ، همیشه لژهای آنها مرکز « اسرار » بود . در حالیکه در قرن کنونی علوم وسیع بشری هیچ رازی را باقی نگذاشته‌اند تا فراماسنها آنها را عرضه کنند . بنابراین هر چه در لژها میگذرد جز خرافات و موهومات چیز دیگری نیست .

آلبرتا توان در کتاب اسرار فراموشخانه‌ها درباره آئین و اسرار آئین ماسنی فراماسونها چنین مینویسد :

فراماسون انجمنی است که حتی وقتی هم مردم متوسط الحال و تقریباً سرمایه - داری را بصورت خود در می‌آورد ، پایه و اساس آن اشرافی است .

مساوات جز در میان اعضای آن ، مفهومی ندارد ، احترام سلسله مراتب اجتماعی نیز تنها در درون معابد آن ملحوظ و محفوظ است . برای اثبات این مدعا کافی است که در کتاب چودی<sup>۱</sup> لحن بخصوص را که « برادر سختران » در سخنرانی خود راجع به خوش آمد گوئی به یک نفر « جنلمان » یا « یک شخص عادی » بکار میبرد یاد آور شویم .

ورود شخص اول یعنی نجیب زاده بانجمن ، برای اعضاء انجمن افتخاری بشمار میرفته در صورتیکه ورود شخص معمولی بان ، افتخاری بوده که اعضای انجمن به وی میداده‌اند . بعبارت ساده تر ، آقای جنلمان با ورود خود جلسه را مزین میکرد در حالیکه شخص عادی افتخار ورود به جلسات آنها را کسب مینمود ، زیرا کارگران و مستخدمین نمیتوانستند وارد این جلسات شوند ، از طرفی قبول این اشخاص بصورت انجمن یک امر عجیب و بی سابقه بشمار میرفت ، بدلیل اینکه این طبقات از لحاظ اجتماعی اصلاً بحسابی منظور نمیشدند . فراماسونها نمیتوانستند علیه پاک‌حانت روحی ،

۱ - صفحه ۹ تا ۱۴ ترجمه کتاب اسرار فراموشخانه‌ها .

که امروزه صورت فرض و قیاس را دارد ، و در آن زمان ارزش حقیقی را داشت .  
 نمایند . نباید فراموش کرد که فراماسونری ، تنها از اعضائی که کارشان تفکر و  
 است تشکیل یافته و بیرون این مرام صرفاً از روشنفکران نبوده اند . بعلاوه ممکن  
 فلسفی آنها نیز آزادی فردی را دنبال نکرده و اگر کسی معتقد باشد که آنان چه  
 فلسفه‌ای را ترویج میکنند ، درست مانند آن است که الفاء بردگی را به آئین  
 نسبت دهد ، درست است که مسیح به پیروان خود دستور میدهد که با بردگان و غنیمت  
 و گنیزان خوش رفتاری کنند ، لیکن این امر دلیلی بر لغو بردگی از طرف مسیحیت نیست  
 و انگهی این قبیل کلمات ترحم آمیز و عادلانه را ما در قرن هجدهم در خلال تبلیغات فراماسونری  
 نیز می بینیم . آنها بدین وسیله می خواهند قوانین هزارساله زندگی را تغییر دهند  
 در کتاب خود نوشته‌ام که فراماسونها به ارزش و اهمیت بزرگان فکر نمیکنند و غرض  
 آنها فقط تحقیر عناصر زبر دست است . پستی و نادانی نیز مانند بردگی و پادشاهی  
 دوام معینی دارد . بمقیده آلبرتر<sup>۲</sup> : آزادی نعمتی است که برای توده مردم مناسب نیست  
 زیرا مردم عادی و عامی مانند کودک خطرناکی هستند که اگر وی را بحال خود بگذارند  
 می افتند و بایش می شکنند و از جای بر نمیخیزد ، مگر به این خیال که بادایه خود به  
 ببردازد . این تصویر منقدین و ارباب قلم نیست که فراماسونها را طرفدار برتری و  
 اشرافیت و تمکن معرفی میکنند ، در ظاهر اعلام مینمایند که آنان محرک توده‌های مردم  
 و انقلاب کبیر فرانسه را تحریک و تشریح کرده اند ! ؟ مخالفین میگویند که -  
 طریقت فراماسونری نه تنها پیشرو طبقات افراطی شورشیان ، بلکه محرک  
 ایده بولوزیک و تصورات ذهنی نیز بوده اند . و آنچه در این بحث برای ما شایان  
 میباشد ، همین مورد است . اکنون باید دید که آیا حق داریم آن دسته از ارباب  
 که درباره فراماسونها عقاید مخالف و زننده‌ای ابراز داشته‌اند و در مورد آنها زیم

حدکنجکاوی کرده‌اند متهم سازیم؟ البته گروهی از این نویسندگان افراطی بوده و در قضاوت اندکی زیاده روی کرده‌اند ولی برخی قربانی دیگران شده‌اند و ما آنها را بیدگمان بودن نام می‌بریم. تمام انجمنهای بشری در زمانهای جدید کم و بیش مورد حمله افراد قرار گرفته‌اند.

در عهد بسیار قدیم یهودیان و بعد از آنها مسیحیان در اثر عملیات گوناگونی که در خفا انجام میدادند مورد بدگمانی و انزجار قرار گرفتند. و اینک در زمان جدید نیز فراماسونها بخاطر اعمال بی‌رویه و خلاف خود متهم به اخلال وقتنه و فساد و کشتار در برخی از ممالک شده‌اند. در حالیکه محرك آنها نامعلوم بود. همیشه کفاره انجمنهای سری چنین بوده است. باز هم تکرار میکنیم که چون منظور این افراد پنهان بوده مردم حق داشتند بدان بدگمان بشوند و تصور کنند که گردانندگان این انجمنها مردمی بد جنس و هرج و مرج طلب و نابکار و انقلابی میباشند.

«... باید قانون مشهور مصوب ۱۴ ژوئن ۱۷۹۱ را بخاطر بیادریم. این قانون وسیله «شاپلیه» بمجلس آورده شد و بموجب آن اجتماعات و انجمنها «باضافه انجمنهای صنایع و مشاغل» و حتی آکادمی فرانسه عموماً منحل شد. فراماسونری نیز که روحانی بزرگ «باروئل» آنرا یک دخمه اجرای دسیسه و توطئه نامیده است، مانند تمام انجمنهای دیگر از میان رفت و برادران فراماسون جرأت نداشتند دور هم جمع شوند. زیرا مواد قانونی نه تنها آنها را از اجتماع منع میکرد بلکه هر کجا نشانی از آنها مییافت، بدون تأمل همه آنها را دستگیر و زندانی میساخت...»<sup>۱</sup> نویسنده در جای دیگر در کتاب «یادبودهای کمیته‌های انقلابی» مینویسد: «کلمات، اشارات و علائم و نماسهای گوناگون و سائلی بودند که فراماسونها علیه جمهوریت آنها را بکار میبردند، و بتوطئه علیه آن میپرداختند. فراماسونها خود را برادر مینامند، زیرا یک هسلک گردیده‌اند مانند «برادران سفید» و «برادران ماهیگیر» و «برادران رحمت و مهربانی» و دیگر «برادران» که در میان آنها، برادران کاهن را که در قرون وسطی بافداکاری زیاد در

احداثت پلها و جاده‌ها اقدام میگردند. ماسونها «بناها» لغت «برادری» را هانند و تری  
 بکار میگردند. او در نوشته‌های خود کسانی را که دارای اتحاد نظر در موضوع و بزرگی  
 هستند «برادر» مینامد. و همین کلمه برادری است که کاهن بزرگ «پاروئل» بر  
 اثبات پیوند مؤلفین دائرة المعارف فرانسه با فراماسونها بدان استناد میکنند.

انجمنی که پذیرش و عضویت در آن مستلزم رعایت کامل مقررات باشد و کس بیک  
 وارد آن جرگه می‌شوند، مجبور به پیروی از انضباط اخلاقی و فکری انجمن باشد  
 همان حکایت «مالک و مملوک» و «آقا و نوکر» را بیاد میآورد.

فراماسونها رؤساء و حتی اکثر اعضاء خود را از نخبه مردم برمی‌گزینند و خود  
 مسلک آنها مشرب و مسلک اشرافی تمام معنی است. آنچه که این نویسندگان  
 بعنوان آئین و رسوم ماسنی و عادات و رسوم و تفکرات اجتماعی فراماسونها ذکر میکنند  
 شاید در سرزمین امریکا و انگلستان و کشورهای متمدن اروپا صحیح باشد، ولی جایی  
 فراماسونری سیاسی در شرق و خاورمیانه و افریقا بشکل و صورت دیگر در آن  
 نمیتوان همه نظرات او را صحیح دانست. در کشورهای هیچگاه دیده و شنیده نشده  
 که فراماسونها بِنفع مردم و توده محروم و رنج دیده، قدمی بردارند و برای  
 درمانگاه، مدرسه، آسایشگاه و پرورشگاه بسازند. به همین جهت میتوان گفت  
 افکار نوع پرورانه و «برادرانه» مورد ادعای فراماسونها از ممالک اروپائی و امریکا  
 تکرده و منحصر و مخصوص کشورهای این دو قاره است.

در کلیه لژهای فراماسونری جهان قانون اساسی دگر  
 درجه، مقام، منصب سرمشق و مورد قبول عموم است. معذک در بعضی از لژها  
 القاب و عناوین مثل لژ اسکانند اعضاء مکلف بوده و هستند که او امری  
 فراماسونری بدون چون و چرا بموقع اجرا بگذارند. این دست در  
 حال ممکن است بتصویب مجلس قانون گذاری برسد و در

فراماسونها برای تغییر و تفسیر مواد قانون اساسی و یا آنچه که

آنرا می‌خواهد مجبورند اوامر صادره را اجراء کنند. در لژ اسکاتلند و لندن اجرای اوامر «معمار بزرگ» یکی از اصول قانون اساسی فراماسونری است و اگر کسی حاضر با اجرای اوامر «معمار بزرگ» نباشد وی را عضویت نمی‌پذیرند. این رسم در تمام لژهایی که مطیع لژ بزرگ لندن هستند جاریست و در همه جا رئیس لژ، نسبت باعضاء يك ریكناطور است و آنها مکلف هستند که اوامر وی را بپذیرند و اجراء کنند. اجبار در اجرای اوامر معمار بزرگ یعنی «خادم مطیع» و مجری دستورات صحیح یا غلط بودن پنا بر این کسانیکه می‌گویند فراماسونها باینند هیچ اصول و قیودی نیستند و هر چه که مرکز آنها بگویند اجرا می‌کنند زیرا درهم بی پایه نمی‌گویند، در هر لژ فراماسونری سه مرتبه مقدماتی وجود دارد و شخصی که وارد لژ می‌شود باید این سه رتبه را طی کند تا به مراحل بالا برسد.

رتبه‌های مقدماتی عبارت است از:

- ۱- مبتدی - این شخص پس از آزمونهای لازم و تحقیقاتی که درباره او شده و انجام تشریفات وارد جمعیت ماسونها می‌شود. زمانیکه صنف ماسنی جنبه سیاسی نداشت، يك کارگر تازه کار و مبتدی دارای مقام اول در بنائنی بود.
- ۲- کارگر - فراماسنی که دوره ابتدائی را طی کرد، بمقام کارگری میرسد. در قدیم باین گونه کارگران عمله بنائنی میگفتند.
- ۳- بنا - این مرحله در فراماسنی حرفه‌ای مقدمه ورود بدرجات دیگر است. بنایان قدیم بکارگران متخصص در هر رشته «بنا کامل» میگفتند.

وقتی يك عضو لژ فراماسون این سه رتبه را طی کرد، بمقامی میرسد که لیاقت آنرا دارد. در بعضی از لژها مراتب عالییه بقدری زیاد است که نشان میدهد در بعضی لژها طولانی کردن سلسله مراتب را بدرجه وسواس رسانیده‌اند و يك عضو دون پایه بنید می‌رسد رتبه را بیاماید تا بمقام معمار بزرگ برسد فراماسونها این سلسله مراتب را برای رسیدن به مقام بزرگ لازم می‌دانند و می‌گویند تا يك مرد، در طول زمان و بر اثر کار کردن و تجربه آموختن، پخته نشود نمی‌باید بمقام «معمار بزرگ» برسد.

مناصب و درجات فراماسونری مثل سایر آداب و رسوم «صنف پناه‌ها» تغییر شکل داده و باسامی مختلفی درآمده است .

در هر لژ فراماسونری مثل لژهای لندن و فرانسه ده صاحب منصب مسئول وجود دارد .

صاحب‌منصبان در داخل معبد هر يك دارای وظائف و مقرراتی هستند .  
 دائرة المعارف فراماسونری و همچنین تاریخ شش جلدی گاولد انگلیسی مراسم ده گام  
 باین ترتیب شرح داده شده است :

صاحب‌منصب اول - یا معمار بزرگ که در لژهای فراماسونری علاوه بر این که  
 رئیس بشمار میرود ، يك نوع مرشد عرفانی و عملی است . در هر لژی سعی میشود  
 مقام «معمار بزرگ» به برجسته‌ترین شخصیتها داده شود .

صاحب‌منصب دوم - این شخص را در لژها رئیس کارگاه می‌نامند . او تقریباً  
 دستیار و معاون و پیشکار معمار بزرگ است و در هر موقع میتواند بر تمام کارهای مربوطه  
 نظارت کند و لژ را نیز اداره نماید .

صاحب‌منصب سوم - ناظم لژ است . این شخص دو وظیفه دارد که یکی تسبیح  
 دادن باعضای جدید است و دیگری حفظ انتظامات لژ .

صاحب‌منصب چهارم - خطیب یا ناطق لژ است . او حتماً باید قوانین و قواعد  
 فراماسونری را در جهان خوب بداند تا در تمام امور مورد مشاورت قرار گیرد . ضمناً  
 کارهای مربوطه بخطابه‌ها پمده اوست .

صاحب‌منصب پنجم - منشی و دبیر لژ است . او کارهای منشیگری و دبیرگری  
 و نوشته‌ها را عهده‌دار است و کلیه صورت‌جلسات لژ را مینویسد .

صاحب‌منصب ششم - کارشناس است . او در واقع رئیس اداره اطلاعات و جمع‌آوری  
 سوابق فراماسونها و تنظیم پرونده‌ها بشمار میرود . سوابق ننگین و گذشته فاسد اعضا  
 را بطرق مختلف جمع میکند تا در موقع لزوم از آن بنفع لژ استفاده کند . همچنین  
 تحقیق درباره اعضاء جدید و داوطلبان با اوست .



صاحب‌منصب هفتم - مأمور تشریفات داخلی لژ است . این شخص کلیه امور  
 تشریفاتی و تشریفاتی داخلی لژ را عهده‌دار است . وارد کردن مهمانان و اعضاء جدید  
 عهده‌دار است .

صاحب‌منصب هشتم - خزاندهار لژ و مأمور جمع آوری وجوهات از اعضاء  
 نگهداری حساب در آمد و مخارج است .

صاحب‌منصب نهم - میهمان‌دار لژ .

صاحب‌منصب دهم - نگهبان یا مستحفظ لژ است . او با شمشیر برهنه‌ای در داخل  
 لژ در ورودی میایستد تا از ورود خارجیان و بیگانگان جلوگیری بنماید .  
 لباس و مقامات داخلی لژ را فراماسونری ایران با ترجمه صحیح آن هنوز منتشر  
 نکرده است . فقط در سال ۱۳۳۷ ش - ( ۱۹۵۶ م ) « لژ تهران » هنگام انتخاب اعضاء مدیره  
 اصطلاح « کارخانه لژ » مقامهای زیر را برای صاحب‌منصبان و اداره کنندگان لژها  
 تعیین و اعلام کرد :

- |                   |   |
|-------------------|---|
| R . W . Master    | ۱ - حضرت استاد ارجمند                     |
| Paat Master       | ۲ - رئیس محترم قبلی (یا حضرت استاد پیشین) |
| Depute Master     | ۳ - قائم مقام استاد                       |
| Substitute Master | ۴ - معاون استاد                           |
| Senior Warden     | ۵ - سرپرست ارجمند اول                     |
| Junior Warden     | ۶ - سرپرست ارجمند دوم                     |
| Secretary         | ۷ - دبیر                                  |
| Treasurer         | ۸ - خزاندهار                              |
|                   | ۹ - کمک خزاندهار                          |
| Almoner           | ۱۰ - امین خیریه                           |
| Chaplain          | ۱۱ - خطیب                                 |
| Senior Deacon     | ۱۲ - راهنمای اول                          |

Junior Deacon	۱۳ - راهنمای دوم
Director of Ceremonies	۱۴ - مدیر تشریفات
	۱۵ - زیوردار
Bibel Bearer	۱۶ - کتاب‌بر
Inner Guard	۱۷ - نگهبان داخلی
Tyler	۱۸ - نگهبان خارجی
	۱۹ - بازرسان بزرگ

در لژهای بزرگ فراماسونری انگلستان و فرانسه صاحبان مناصب و مقام‌های ده‌گانه هر يك دارای علائم و نشانه‌های زیر هستند :

۱ - معمار بزرگ سه علامت گونیا - شاقول - طراز بنائی و يك ستاره درخشان که در حال تشعشع باشد .

۲ - رئیس کارگساه - گونیا - شاقول - طراز و يك ستاره کوچکتر از ستاره معمار بزرگ .

۳ - ناظم لژ - گونیا - شاقول و طراز .

۴ - ناطق - يك كتاب گشاده که کلمه قانون روی آن حک شده است . این علامت روی اشارپ او نصب می‌باشد .

۵ - منشی - دو قلم متقاطع روی اشارپ .

۶ - کارشناس - يك شمشیر و يك خط‌کش متقاطع و يك چشم « روی اشارپ » چهار صاحب منصب دیگر فقط یکی از علامات سه‌گانه را بخود آویزان میکنند .

درجات فراماسونری در لژهای کشورهای مختلف است . در لژهای « یورک » که رایت بلژهای آمریکائی است فراماسنها پس از طی مقامهای « مبتدی » « شاگرد در فیک » « مقام‌های زیر ارتقاء می‌یابند :

1 - Mark Master

2 - Past Master (virtual)

3 - Most Exeellent Master

4 - Royal Arch Mason

5 - Royal master - Select Master - Super Excellent Master

6 - Order of the Red cross

7 - Order of Knights of Malta

در طریقه ماسنی یورک York و همچنین اسکاتلند مقام افتخاری Order of knights templar وجود دارد که باشخاص برجسته جهان امثال شاهان ، مخترعین و مکتشفین و نوابغ داده میشود . اینعده بدون اینکه مقامات مختلف فراماسنی را طی کنند بمقام مزبور میرسند .

در لژ فراماسونری سوئد موسوم به لژ «سویدن بورک» شماره رتبه ها و درجات به هفت میرسد . سه رتبه آن مقدماتی است بنام مبتدی - کارگر - استاد . بعد از اینکه عضو فراماسون این سه رتبه را طی کرد به رتبه چهارم میرسد ولی رتبه چهارم مثل درجه ژنرالی ارتش در بعضی از کشورها چهار رتبه است .

میتوان گفت که در لژ فراماسونری سوئد شخصی که سه رتبه مقدماتی را طی کرد و به رتبه چهارم رسید ، مانند کسی است که تحصیلات ابتدائی و متوسطه را تمام نموده و قدم بدانشگاه گذاشته است . عضو فراماسونری سوئد بعد از اینکه وارد مرحله چهارم شد سه رتبه فرعی آن را هم طی مینماید ولی نمیتواند برتبه چهارم برسد برای اینکه رتبه چهارم مخصوص پادشاه سوئد است و پادشاه سوئد در هر عصر معمار بزرگ لژ «سویدن بورک» محسوب میشود .

در آمریکا ، در لژهای اسکاتلند درجات و مقام هاسی و سه رتبه میباشد که بدین ترتیب تقسیم شده است :

اول - کارگران مقدماتی که شامل چهار کارگاه میباشد . از کارگاه اول تا کارگاه چهارم و در اصطلاح از آمریکائی کارگاه یعنی رتبه یا کلاس یکم که عضو فراماسونری میشود باید آن چهار کلاس را به بیند .

دوم - دوره نهمیلی است که از کارگاه یا کلاس پنجم شروع و به کارگاه یا کلاس چهاردهم ختم میشود . در این دوره داوطلب ورود به لژ فراماسونری تعلیمات تازه ای

میگیرد و کلاس به کلاس بالا میرود تا بنور سوم میرسد .

سوم - دوره سوم را بنام کارگاههای سرخ میخوانند و آن متشکل از چهار کارگاه یا چهار کلاس است و عضو سپس وارد دوره چهارم میشود .

چهارم - دوره چهارم با اسم کارگاههای سیاه از کلاس نوزدهم شروع و به کلاس سی<sup>ام</sup> ختم میگردد .

وقتی عضو فراماسون این سی کلاس را تمام کرد، باید وارد دوره پنجم شود در این دوره کلاسی بنام «دیوان عالی» وجود دارد . فراماسن آمریکائی وقتی این دوره را تمام کرد در حقیقت، دورههای سی دوم و سی سوم را تمام کرده است و صاحب مقام «شورای عالی» نیز فراماسنی آمریکا میشود .

کسیکه موفق به عضویت شورای عالی فراماسنی آمریکا شود بر دو میلیون عضو لژ هاسنی آمریکا حکومت میکند . در این مقام که بکنوع «فرمانفرمائی» است عضو شورای عالی بر کسائی ریاست دارد که همه در زندگی اقتصادی ، صنعتی و سیاسی آمریکا دارای نفوذ زیادی میباشند .

همانطوریکه قبلا گذشت فراماسونهای ایران تا کنون هیچیک از درجات و مناصب فراماسنی را بفارسی ترجمه نکرده اند . تنها ۱۶ مقام داخلی لژ را بفارسی ترجمه نموده اند که در اولین رساله سال ۱۳۳۷ لژ تهران درج شده است . لیکن بجهت تکمیل اطلاع خوانندگان ، ترجمه درجات سی و سه گانه فراماسنی را با کمک دکتر رضا امینی<sup>۱</sup> در این جا نقل میکنیم و طبیعی است که برای ترجمه فارسی آنها از لحاظ سلیقه فراماسونهای ایرانی هیچگونه تضمینی وجود ندارد . باید دانست که سی و سه درجه ای که نقل میشود ، برای اولین بار در مجله معروف لایف و پاپیک تابلو بسیار نفیس منتشر گردید که مورد اعتراض و ایراد سازمانهای فراماسونی انگلستان قرار گرفت . اینست درجات سی و سه گانه :

۱ - ترجمه مذکور قبل از ورود ایشان به لژ فراماسونری تهران وابسته به لژ اسکاتلند انجام شده است .

- |   |   |
|---|---|
| 1- Entered Apprentice   | شاگرد مبتدی - نوآموز                              |
| 2- Fellowcraft  | مرد حرفه - عضو بنا - همکار                        |
| 3- Master mason   | استاد بنا   |
| 4- Secret master  | استاد رازدار - استاد مخفی                         |
| 5- Perfect master   | استاد کامل - سر استاد                             |
| 6- Intimate secretary   | مهرن نامه - کاتب محرم                             |
| 7- provost and judge  | پروووست و قاضی                                    |
| 8- Intendant of the building                                      | مهندس درگاه - میزبان محفل                         |
| 9- Master elect of nine<br>Elu of the nine                        | استاد برگزیده نه تن                               |
| 10- Elect of fifteen<br>Elu of fifteen                            | استاد برگزیده ۱۵ تن                               |
| 11- Sublime master elected<br>Elu of the twelve                   | استاد برگزیده عالی<br>رهبر اعظم قبایل دوازده گانه |
| 12- Grand master architect<br>Master architect                    | معمار بزرگ - استاد اعظم                           |
| 13- Master of the ninth arch<br>Royal arch of Solomon (of Enoch)  | استاد بارگاه نهم<br>(برونقی بارگاه سلیمان)        |
| 14- Grand elect mason<br>perfect elu<br>Scotch arch of perfection | معمار بزرگ برگزیده -<br>معمار بزرگ بنای برگزیده   |



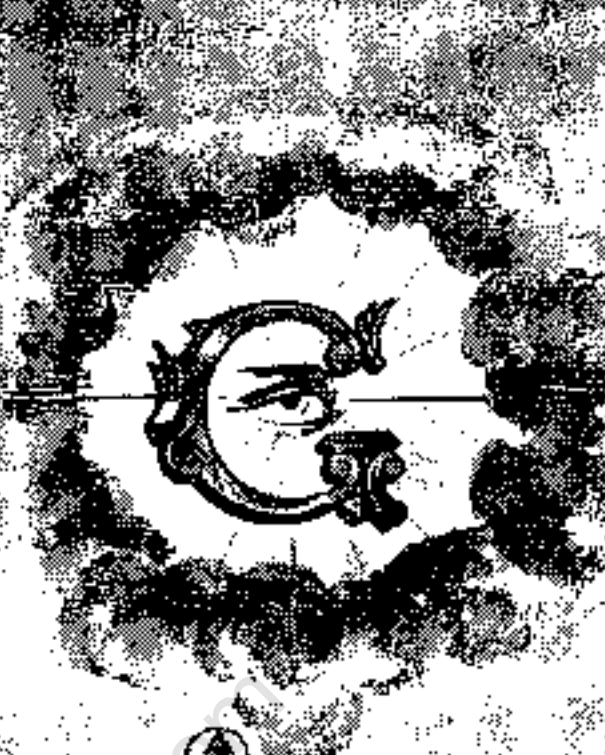
Wife of the Master



Knights of Malta



Wife of the Master



Super Excellent Master  
Wife of the Master  
Wife of the Master

### YORK RITE



Wife of the Master



Wife of the Master



Wife of the Master



Wife of the Master



SCOTTISH RITE



۱۸- استقامت اعظم

۱۹- شوالیه جلیلی روح

۲۰- شوالیه شرف و مروت

۲۱- استاد بزرگ

۲۲- شوالیه شستیر شرقی

۲۳- معمار بزرگ

۲۴- استاد بزرگ

۲۵- معمار بزرگ

۲۶- استاد بزرگ

۲۷- استاد بزرگ

۲۸- استاد بزرگ

۲۹- استاد بزرگ

۳۰- استاد بزرگ

۳۱- استاد بزرگ

۳۲- استاد بزرگ

۳۳- استاد بزرگ

۳۴- استاد بزرگ

۳۵- استاد بزرگ

۳۶- استاد بزرگ

۳۷- استاد بزرگ

## ۱۵- شوالیه شمشیر شرق - شوالیه خاور زمین

15- Knight of the east or sword  
Knight of the east

16- Princ of Jerusalem

۱۶- شهریار بیت المقدس - امیر اورشلیم

17- Knight of the east and west

۱۷- شوالیه شرق و غرب

18- Knight of the  
rose croix of H. R. D.M.

۱۸- شوالیه چلیپای سرخ

19- Grand pontiff

۱۹- اسقف اعظم

20- Master A.D vitam  
Master of the symbolic lodge  
(venerable grand master)

۲۰- قائم مقام استاد اعظم لژ

21- Patriarch noachite  
Noachite of prussian knight

۲۱- استاد اعظم کلیددار شوالیه پروس

22- Prince of libanus  
Knight of the royal axe

۲۲- شهریار لبنان - شوالیه تبرشاهی

23- Chief of the Tabernacle

۲۳- سرور معبد

۲۴- شهریار معبد - (شوالیه اعظم شاهین سیاه و سفید)

24- Prince of the Tabernacle

۲۵- قائد راز سلطنتی - شوالیه راز سلطنتی

25- Knight of the Brazen serpent

26- Prince of mercy

۲۶- شهریار (امیر) رحمت

27- Comander of the temple  
knight commander of the temple

۲۷- فرمانفرمای معبد - شوالیه معبد



28. Knight of The sun  
Knight of the sun or prince adept

شوالیه سانت اندرو -

29. knight of st. Andrew  
Scottish knight of st. Andrew

شوالیه اسکاتلند

30. Grand elect knight K.H.  
knight of the black and white eagle

شوالیه اعظم قدوس

31. Grand inspector inquisito rcommander

پژدهنده اعظم تحقیق

32. Sublime prince of the royal secret  
master of the royal secret

شوالیه عالی اسرار سلطنتی

33. Sovereign grand inspector general

شوالیه بازرس کل اعظم

بنابراین از قدیم‌الایام برای شناسائی یکدیگر علائم و اشارات

مخصوصی داشتند و در هر کشوری علائم و اشارات مخصوصی را  
بکار میبردند.

فراماسنی جدید نیز چون از روز تأسیس تا کنون همچنان مخفی است ، برای  
همه افراد و اعضاء خود علائم و اشاراتی دارد که با دست‌ها ، انگشتان ، حرکات سر  
و غیره میباشد این علائم نسبت بدرجات و مقام‌های فراماسنی‌ها فرق میکند .  
این‌های مبتدی رتازه‌وارد ، فقط از علائم و رموز اولیه با اطلاعند و هر قدر که پیشرفت  
در علائمی نیز که بین درجات بالاتر رواج دارد اطلاع پیدا مینمایند .

یک عضو دون پایه فراماسونری فقط میتواند بوسیله علائم و اشارات کسانی که

هم‌پایه اوهستند آنها را بشناسد و از شناختن رتبه‌های مافوق عاجز است، زیرا همیشه -  
علائم مخصوص آنها را بکاربرد.

بنابراین هر گاه يك عضو دون‌پایه فراماسونری وارد يك مجلس شود، کسی که -  
حیث رتبه مافوق اوهستند او را پیشناسند ولی وی قادر به شناسائی آنها نیست، زیرا  
کسانی که مافوق اوهستند روزی مانند او بودند و علائم و مذاکرات مخصوص رتبه خود  
میدانند ولی اوز علائم و اشارات اعضای برجسته بی‌افزای است.

هر يك از اعتناء فراماسونری هنگام ارتقاء بدرجه بالاتر سوگند می‌خورند، که  
اسرار درجات قبلی و بعدی را بروز ندهند. این عضو پس از انجام کلید شریفات از دعوت  
و اشارات آن مقام مطلع می‌گردد.

در داخل لژها نیز هنگام بحث و مذاکرات مهم کسانی که درجات پایینتر دارند -  
لژ خارج میشوند و گاهی اوقات فقط سه یا چهار نفری که با مرکز لژ ارتباط دارند در  
مذاکرات خصوصی شرکت می‌جویند.

يك عضو فراماسونری بوسیله حرکات دست‌های تواندخیالی از چیزها را به فراماسون  
دیگر بگوید. مثلاً اگر دو دست را روی سینه منقطع کند، مشروط بر اینکه کف دست  
روی سینه قرار بگیرد علامت این می‌باشد که حال خوب است و احتیاج به دست  
دوستان ندارم. اگر دو دست را بالای سر طوری بهم جفت نماید که کف دستها بطرف  
آسمان باشد یعنی نوك انگشت‌ها بهم برسد معنایش این است که من احتیاج بکم  
فوری در قبال دشمنانی که مرا تهدید می‌نمایند دارم. اگر دست چپ را بکمر نزدیک  
دست راستش آویخته ولی کف دست بطرف خارج باشد دلیل بر این است که میخواهم  
بگویم که من احتیاج مادی دارم و احتیاجم بوسیله پول باید رفع شود. در حال  
هر گرانند لژ علائمی دارد که بتفصیل در جلد چهارم شرح داده خواهد شد.